



مدل طلاق عاطفی براساس تمایز یافتگی با نقش میانجی ساختار شخصیت و تجربه مایی

دانشجو دکتری گروه مشاوره، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی قم، ایران
دانشیار گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی قم، ایران
دانشیار گروه مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

فرنگیس رشیدی ^{id}

نادر منیرپور * ^{id}

فریده دوکانه‌ای فرد ^{id}

monirpoor1357@yahoo.com

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۶

دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۸

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۷۱۷-۲۴۳۰

<http://Aftj.ir>

دوره ۳ | شماره ۲ پیاپی ۱۱ | ۸۵-۱۱۶

تابستان ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(رشیدی، منیرپور، دوکانه‌ای فرد، ۱۴۰۱)

در فهرست منابع:

رشیدی، فرنگیس، منیرپور، نادر، و دوکانه‌ای فرد، فریده. (۱۴۰۱). مدل طلاق عاطفی براساس تمایز یافتگی با نقش میانجی ساختار شخصیت و تجربه مایی. فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، ۳(۲ پیاپی ۱۱): ۸۵-۱۱۶.

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف ارائه مدل طلاق عاطفی براساس تمایز یافتگی با نقش میانجی ساختار شخصیت و تجربه مایی در والدین دانش‌آموزان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و راهنمایی انجمن اولیا و مربیان آموزش و پرورش شهر تهران انجام شده بود. **روش پژوهش:** با توجه به شاخص‌ها و اهداف تحقیق، پژوهش انجام شده توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه والدین دانش‌آموزان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و راهنمایی انجمن اولیا و مربیان آموزش و پرورش شهر تهران در سال ۱۳۹۹ بود. روش نمونه‌گیری بصورت تصادفی چند مرحله‌ای و حجم نمونه آماری براساس نرم افزار (350 sample power) در نظر گرفته شد و مورد تحلیل قرار گرفت. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن (۲۰۰۸)، تمایز یافتگی اسکورن و فریدلندر (۱۹۸۹)، ساختار شخصیت نئو مک کری و کاستا (۱۹۹۲)، تجربه مایی ویدز و نیس بک و بودنمانن (۲۰۱۳) مورد استفاده قرار گرفته و بر روی نمونه مورد نظر اجرا شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss و معادلات ساختاری smartpls تحلیل شد. **یافته‌ها:** نتایج به دست آمده نشان داد ارائه مدل طلاق عاطفی براساس تمایز یافتگی با نقش میانجی ساختار شخصیت و تجربه مایی در والدین دانش‌آموزان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و راهنمایی انجمن اولیا و مربیان آموزش و پرورش شهر تهران با مدل نظری مطابقت داشته و از برازش مطلوبی برخوردار است، همچنین بین مولفه‌های تمایز یافتگی، ساختار شخصیت و تجربه مایی با طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود داشت و از طرفی بین مولفه‌های تمایز یافتگی با طلاق عاطفی و میانجی‌گری ساختار شخصیت و تجربه مایی در والدین دانش‌آموزان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر تهران شدت اثر مطلوبی وجود داشته بود ($P=0/05$). **نتیجه‌گیری:** تمایز یافتگی، ساختار شخصیت و تجربه مایی هر یک از زوجین بر مبنای درک متقابل نیازهای یکدیگر می‌تواند پیش‌بینی‌کننده تعهد زناشویی در بافت روابط زناشویی کارآمد و ایجاد صمیمیت، تعهد در روابط و کاهش بروز طلاق عاطفی در زوجین گردد.

کلیدواژه‌ها: طلاق عاطفی، تمایز یافتگی، ساختار شخصیت، تجربه مایی

مقدمه

ارتباط زناشویی هسته مرکزی نظام خانواده است به همین دلیل روابط زناشویی را می‌توان یکی از مباحث ضروری در روان‌شناسی در نظر گرفت؛ زیرا روابط زناشویی یکی از صمیمی‌ترین روابط بین‌فردی و یکی از مهم‌ترین ارتباط‌های انسانی است و از آن‌جایی که نهاد خانواده، اولین نهاد اجتماعی است که در رشد، تحول و شکل‌گیری شخصیت اثرات چشمگیری دارد، به همین دلیل مباحث پیرامون روابط زناشویی نیز از اهمیت خاصی برخوردار می‌گردد و بر همین اساس بررسی مسائل و مشکلاتی که منجر به فروپاشی خانواده و روابط زناشویی و بالا رفتن میزان طلاق و ناسازگاری زناشویی می‌شود، از اهمیت بسزایی برخوردار می‌گردد (نوابی نژاد، ۱۳۸۹). در رابطه با رضایت زناشویی آمار و ارقام بیانگر این است که درصد ناسازگاری‌های زناشویی که منجر به طلاق می‌شود در کشور ما روبه افزایش است. آمار در سال ۱۳۹۷ نشان می‌دهد که میزان طلاق ثبت شده، ۱۷۴ هزار و ۶۹۸ مورد بوده است؛ که میانگین سن مردان در طلاق‌های ثبت شده ۳۶ سال و میانگین سن زنان در طلاق‌های ثبت شده ۳۲ سال بوده است (سازمان ثبت احوال، ۱۳۹۸).

یکی از مهم‌ترین عامل‌های تنیدگی‌زا در خانواده و در روابط زوجین طلاق عاطفی است. طلاق عاطفی پدیده‌ای پنهان و ثبت نشده در زندگی بسیاری از زوجها می‌باشد، که اگر چه زن و شوهر به طور رسمی از هم جدا نمی‌شوند، اما بدون هیچ احساس و عاطفه‌ای نسبت به هم و فقط به صورت هم‌خانه به زندگی خود ادامه می‌دهند (دوران‌دیش، ۱۳۹۸). طلاق عاطفی نه‌بعضاً یک اختلال مقطعی در زندگی زناشویی بلکه به صورت وضعیتی پایدار ظهور می‌یابد (موتانایانو، ۲۰۱۵). بر همین اساس طلاق عاطفی باعث بروز یک نوع ناپهنجاری در نظام خانواده می‌شود که اگرچه به جدایی زوجین نمی‌انجامد، اما زندگی آنها فاقد عشق، مصاحبت و دوستی است. همسران به جای حمایت از یکدیگر در جهت آزار، ناکامی و تنزل حرمت خود نسبت به یکدیگر عمل می‌کنند و هر یک دنبال یافتن دلیل برای اثبات عیب و کوتاهی دیگری می‌باشد (مراد زاده، ۲۰۱۵). افزایش طلاق عاطفی به میزان قابل توجه‌ای می‌تواند آسیب‌زا باشد و پیامدهای بسیار زیادی را برای طرفین و بنیان خانواده به ارمغان بیاورد. به طوری کلی هر وضعیتی که برای زنان به عنوان افراد فعال، تاثیرگذار و البته تاثیرپذیر پیش آید، واکنش‌ها و پیامدهایی را به همراه خواهد داشت. زن و شوهر (بویژه زن) با قرار گرفتن در موقعیت طلاق عاطفی با مشکلاتی مواجه خواهند شد که این مشکلات فشارها و آسیب‌هایی را به خانواده و جامعه وارد می‌کنند. از جمله این مشکلات می‌توان روابط فرزند زناشویی، افزایش طلاق قانونی، خشونت، خودکشی و ... را نام برد (کنت و پراتر، ۲۰۱۷). در طلاق عاطفی، زوجها پس از مدتی نسبت به یکدیگر، بی‌تفاوت می‌شوند که این آخرین مرحله روابط احساسی بین زن و مرد است. دلایل مختلفی برای طلاق عاطفی مطرح می‌شوند که از جمله می‌توان به مشکلات اقتصادی و مالی، اختلاف در زمینه مسائل زناشویی و جنسی، کار و اشتغال بیش از حد، داشتن سرگرمی‌های متفاوت و عدم توافق بر سر نحوه گذراندن اوقات فراغت، داشتن زمینه‌های متفاوت فرهنگی و تربیتی و برخی ویژگی‌های شخصیتی از جمله زیاده‌خواهی‌ها، غرور، لجبازی، خودخواهی، تنوع طلبی و مشکلات مربوط به حرمت خودپائین اشاره کرد (باس و شاکلفورد، ۲۰۰۵). بنابراین خانواده مهم‌ترین نهاد جامعه‌است و ورود هر عامل تنش‌زایی بر کارکردهای آن تاثیرمی‌گذارد (مارشال، ماریس، استم، ترازنبرگ، گروتنهویس، ۲۰۱۷). از طرفی وجود طلاق عاطفی در روابط زوجین منجر به عدم درک احساسات و عواطف و هیجانات

(لوادو و همکاران، ۲۰۱۳)، شکست عاطفی، انتقام جویی، عدم تامین نیازها، سبک دلبستگی اجتنابی - اضطرابی شود (مومنی و نادری، ۱۳۹۳). از بانفوذترین دیدگاه‌ها در این زمینه، نظریه‌ی تمایز یافتگی بوئن است که بر روابط اولیه در خانواده تأکید کرده و آن را بر روابط بعدی مؤثر می‌داند (یونگ، کالسکو و ویشار، ۲۰۰۳). درجه‌ی ظهور تمایز یافتگی در هر فرد بیانگر میزان توانایی فرد برای جداسازی فرایند شناختی از فرایند احساسی (هیجانی) است که فرد تجربه می‌کند (بوئن، ۱۹۷۸). تمایز یافتگی بنیان‌های صمیمیت و پذیرش دوسویه در ازدواج را بررسی می‌کند. انتظار می‌رود زن و مردی که سطح تمایز یافتگی پایینی دارند، در زمان ازدواج، بلوغ هیجانی کمتر و ظرفیتی محدود برای صمیمیت و یکی شدن داشته باشند. در مقابل، در نظام‌های زناشویی تمایز یافته، همسران به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقشی انعطاف پذیرتر و رابطه‌ای صمیمانه‌تر داشته باشند و تفاوت عقاید یکدیگر را تحمل و واکنش هیجانی کمتری را تجربه کنند (کر و بوئن، ۱۹۸۸). این ویژگی‌های افراد تمایز یافته موجب استحکام روابط زوج‌ها و افزایش رضایت زناشویی می‌شود. بوئن بر این باور بود که سطح خود متمایز سازی فرد در خانواده اصلی‌اش به دست می‌آید و در آینده او تأثیر می‌گذارد (یو، وا، وانگ و وانگ، ۲۰۲۰). به عقیده بوئن همه بیماری‌های روانی و جسمانی، مشکلات اجتماعی و به ویژه مشکلات زناشویی، با سطح خود متمایز سازی رابطه دارد (تیمونس و همکاران، ۲۰۱۷). افرادی که از سطح خود متمایز سازی بالایی برخوردارند قادر به سنجش متفکرانه موقعیت هستند و رفتاری مستقل داشته و کمتر واکنش‌های هیجانی نشان می‌دهند. آن‌ها تعریف مشخصی از خود و عقاید شان دارند و در روابط بین فردی آرامش خود را حفظ می‌کنند (بوئن، ۱۹۷۸). پژوهش بوسر و همکاران (۲۰۱۹) نشان داد زوج‌هایی که واکنش‌پذیری عاطفی کمتر، گریز عاطفی کمتر و هم آمیختگی محدودی با یکدیگر دارند، قادرند از عقاید خود دفاع کنند، میزان بالاتری از رضایت زناشویی را تجربه می‌کنند. هم چنین مومنی و همکاران (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خود به طور مشابه به این نتیجه رسیدند که زوج‌هایی که از سطح تمایز یافتگی بالایی برخوردارند در زندگی زناشویی سازگاری بیشتر و به تبع آن رضایت زناشویی بالاتری دارند. بوئن (۱۹۷۸) معتقد است تعارض زناشویی از ضعف در تمایز یافتگی خود و نداشتن احساس قوی در هویت‌یابی است و تعهد زناشویی مستلزم احساس قوی در هویت‌یابی و تمایز یافتگی خود است. در میان عوامل فردی یکی از مهمترین پیش‌بینی‌کننده‌های طلاق عاطفی، ساختار شخصیت زوجین می‌باشد (گودفردنواگنیو، ۲۰۰۸). براساس نظر روانشناسان ساختار شخصیت هر زوج نسبت به عوامل آسیب رسان و استرس زا متفاوت است، بر همین اساس روابط زوجی ناکارآمد و پر هرج و مرج در زوجین دارای اختلال شخصیت، باعث ایجاد تعارضات زناشویی می‌شود (جوکار کمال آبادی، ۱۳۹۱). کرایتون (۲۰۱۰) معتقد است که ویژگی‌های شخصیت از جمله عواملی است که بر میزان رضایتمندی از روابط زناشویی همسران اثر گذار می‌باشد. از آنجایی که ساختار شخصیت عمیقاً با نحوه ادراک و تفسیر فرد از جهان و واکنش او به رویدادهای استرس‌زا مرتبط است، طبیعی است که برخی از ویژگی‌های شخصیت از ویژگی‌های دیگر در روابط انعطاف پذیرتر است. افرادی که دارای ویژگی‌های شخصیتی انعطاف ناپذیر می‌باشند و همچنین کسانی که نمی‌توانند پاسخ‌های خود را با تقاضای یک موقعیت خاص منطبق سازند فاقد مهارت‌های زندگی بوده و بدترین واکنش‌ها را به زندگی نشان می‌دهند (حیدر نژاد و همکاران، ۱۳۹۷). استرودا، دوربین، سایگال و کنابلج فدرز (۲۰۱۰) در مطالعات خود بین شخصیت (بهنجار و نابهنجار) و رضایت زوجین رابطه معنادار وجود دارد. آیزنک (۱۹۹۰)، معتقد است که شخصیت انسان علاوه بر تأثیر مستقیم بر رضایتمندی

از روابط زناشویی، از طریق واکنش‌های احساسی نسبت به وقایع زندگی می‌تواند تاثیرگذار باشد. احساس رضایتمندی در یک رابطه زناشویی مستلزم حفظ تعهد زناشویی و تلاش زوجین در جهت آگاهی از عواملی است که براساس آن بتواند سلامت روابط زناشویی در رابطه را تضمین کند (آسوده، ۱۳۹۵). نتایج پژوهش (سلیمی هادی و همکاران، ۱۳۹۸) نشان داد که عوامل درون فردی (ساختار شخصیت، سلامت جسمی و روانی، ویژگی‌های شناختی مثبت و ویژگی‌ها و اشتراکات معنوی-مذهبی)، بین فردی (مهارت‌های ارتباطی و رابطه سازنده، عشق و عاطفه و همچنین ارتباط و رابطه جنسی) و محیطی (حمایت اجتماعی، اشتغال و وضعیت اقتصادی مناسب) می‌توانند سلامت رابطه زناشویی را تحت تاثیر قرار دهند. کوهی (۱۳۹۳) بیان داشتند که ساختار شخصیت، سلامت روانی و عوامل زمینه‌ای، سرخوردگی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. رحیمی بردنجانی و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند که می‌توان رضایت جنسی زوجین را از طریق ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها می‌توان پیش‌بینی کرد. شاکریان، فاطمی و فرهادیان (۱۳۹۰)؛ محمدزاده ابراهیمی، رحیمی بردنجانی، جمهری و برجعلی (۱۳۹۰)، نشان دادند که برونگرایی، توافق و باوجدان بودن با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد. لی و همکاران (۲۰۱۸)؛ بیان داشتند که الگوهای تعاملی زناشویی، تحت تأثیر-ساختار شخصیت زوجین و رویدادهای زندگی ایجاد می‌شود. بر همین اساس ساختار شخصیت هر یک از زوجین می‌تواند تبیین‌گر بسیاری از ویژگی‌های روان‌شناختی از جمله؛ تمایز یافتگی خود، انعطاف‌پذیری شناختی و صمیمیت زناشویی در تعاملات زوجین باشد که لزوم توجه به این عامل را نمایان می‌سازد. شواهد فراوان نشان می‌دهد که زوج‌ها در جوامع امروزی برای برقراری و مدیریت هیجانی روابط خود با همسرانشان با مشکلات فراگیر و متعددی مواجه هستند (رجبی و همکاران، ۱۳۹۳).

از دیگر عوامل تأثیرگذار بر کاهش صمیمیت زوجین و رسیدن به جدایی عاطفی نبود اتحاد و همبستگی در روابط زوجین است که موجب می‌گردد هر کدام از زوج‌ها در تعاملات خود از عدم امنیت روانی و عدم درک متقابل در خصوص بیان احساسات و هیجانات و عدم رفع نیازهای فردی مواجه شوند (شیخ، خدابخشی کولایی، رحمتی زاهد، ۲۰۱۳).

عوامل مختلفی در مباحث خانواده‌درمانی در ارتباط با مسائل و نوع تعاملات زناشویی مطرح شده است. یکی از این عوامل تأثیرگذار که مرتبط با اتحاد در روابط زناشویی است، مربوط به عامل تجربه مایی در روابط همسران است. از دیدگاه روان‌شناسان در خصوص روابط زوجی، اصطلاح تجربه مایی بگونه‌های مختلف مطرح می‌شود و به رابطه‌ای اشاره می‌کند که در آن دو نفر عمق ارتباطی را ایجاد کرده‌اند که از احساس هویت مشترک پشتیبانی می‌کند (اسکات و استنلی، ۲۰۲۱). تأکید تجربه مایی بر این است که به زوجین کمک می‌نماید تا هر کدام از آنها به عنوان «من» و «تو» بتوانند یکدیگر را درک نمایند. بدینگونه که هر یک از زوج‌ها به چنان فهم و درکی از «من» نسبت به یکدیگر برسند که هر کدام دیگری را در وجود «خویش» ببینند. گویی «من» و «تو» در درون آنها یکی شود و هر دو «ما» می‌شوند و دیگر حالتی به شکل «من» و «تو» وجود ندارد. هر چه هست (مایی) می‌باشد. پس بر همین اساس اسن که در تجربه مایی دو شخصی که بایکدیگر رابطه‌ای را برقرار می‌سازند، موجب می‌شود که با گذر زمان در طی رابطه «من» درکی از احوالات «خود» را به «تو» منعکس نماید تا از طریق درد و رنجش کاهش یابد و احساس خویش را به راحتی منتقل سازد و دائماً این انعکاس متقابل در میان (من و تو) صورت می‌گیرد که اینگونه ارتباط

موجب شکل گیری تجربه مایی می شود. در شکل گیری تجربه مایی در روابط همیشه درک متقابل بصورت سالم و سازنده ایجاد نمی شود بلکه در بعضی موقعیت ها افراد این درک متقابل را بمنظور پیشبرد اهداف خود بصورت ناسالم نیز می توانند بکار برند. بگونه ای که در این حالت «خود» را در وجود «خود با دیگری» می سازد که بدین عامل نیز تجربه مایی می تواند شکل گیرد (ویدز و نیس بک و بوندمنن، ۲۰۱۳). بر همین مینا در ابتدای شکل گیری یک رابطه زوجی به نظر می رسد که هر کدام از زوج ها تصور فردی از خود دارند که در گذر از زمان و بر پایه ادراکشان از رابطه به تصور مشترک «ما» تبدیل می شود (توپکو، اورز، راندل، ودس، ریدبودمن، ۲۰۲۰). خلق «ما» مستلزم آمیختگی دو «من» و الحاق دیگری به مفهوم «خود» است، پدید آمدن این هویت رابطه ای برای همسران بسیار ارزشمند بوده و آنان را در چالش های زندگی یاری می نماید (منزی، پاریس، لافرات، سدی کیدس و ویگنولنز، ۲۰۱۵). واژه «مایی» در ادبیات زوج درمانی برای اولین بار توسط (بوهملمن و همکاران، ۱۹۹۲) برای بهره گیری از نظریه یادگیری اجتماعی بندورا (۱۹۹۷) و تقویم خانوادگی ستیر (۱۹۶۴) و با این استدلال که نوعی بازگویی زوج ها از نحوه آشنایی شان می تواند موفقیت رابطه را پیش بینی کند، به کار برده شد (توپکو، اورز، راندل، ودس، ریدبودمن، ۲۰۲۰). براین اساس مفهوم «مایی» با توجه به گفتگوهای همسران از خود، رابطه و آنچه انجام می دهند یا قصد انجام آن را دارند، قابل استخراج و بررسی است (رید و همکاران، ۲۰۰۶؛ احمدورید، ۲۰۱۶). اسکرت و سینگر (۲۰۱۴) معتقدند که بیان قصه هایی از زوج نیز جهت هویت دهی به رابطه و «ما» حیاتی است. این روایت ها، موجب شکل گیری هویت، ارزش ها و رسوم زوجی و منبعی برای ساخت معنا و مقصود برای زوج ها است؛ زیرا که «مایی» پدید آمده در ساختار زوج، راهنمایی برای تعاملات جاری و وسیله ای برای رشد و تعالی آینده ارتباط می باشد و تسهیلگر اعتبار دهی به عشق و تعهد در زمان های تعارض و قالبی برای انتقال میراث زوج است، در این راستا و همسو با نتایج سایر مطالعات بالینی، این دو محقق ۷ مولفه اصلی (امنیت، همدلی، احترام، پذیرش، لذت، شوخ طبعی، دیدگاه و منظر مشترک) را به عنوان عناصر اصلی «مایی» عنوان داشتند (گیلدراسلو و همکاران، ۲۰۱۷). بر این اساس به نظر می رسد ادراک مفهوم مایی یکی از بنیادین ترین عناصر رابطه زوجی است و الحاق رابطه به ساختار خود و پدید آیی حس مایی تهدید پیوندهای دلبستگی و پریشانی های زناشویی را کاهش می دهد. تحقیقات حاکی از آن است که همسران از این ذهنیت ساخته شده در حوزه های درون فردی، بین فردی و اجتماعی منتفع می شوند و افرادی با جهت گیری «ما»، رضایت زناشویی بیشتر، رفاه و سلامت بالاتری را تجربه کرده و الگوهای تعاملی کارآمدتری را برقرار می سازند (گودوین، سوانک، ویث، استوالد، ۲۰۱۳؛ روهرباف، شوهام، اسکوین، جنسن وامل، ۲۰۱۲؛ رید و همکاران، ۲۰۰۶؛ گاتمن، ۲۰۱۱؛ اسکرت و فرگوس، ۲۰۱۵).

با توجه به اینکه همه انسان ها گاهی در زندگی با چالش ها و مشکلاتی مواجه می شوند. در جریان این دشواری ها در اختیار داشتن منابع مهارت هایی که به انسان ها کمک می کنند تا به بهترین شکل ممکن از حل مشکلات خود برآیند، تسلی بخش است. کارآمدی فرد در مسائل فردی و اجتماعی به طور قابل ملاحظه ای توسط تجربه های هیجانی و نحوه مواجهه و انطباق با رویدادها تعیین می شود. مطالعات اخیر دانشمندان نشان می دهد در زندگی اجتماعی انسان میان احساس و تفکر، همبستگی بنیادی وجود دارد. عاطفه می تواند فرایند تفکر و محتوای فکر، قضاوت و رفتار را تحت تاثیر قرار دهد (شکوهمیان، ۱۳۹۴). شناخت در زمینه تأثیر ابعاد شکل گیری تجربه مایی در روابط زوجی (رحمتی و همکاران، ۱۳۹۹) در زندگی زناشویی

می‌تواند نقش مهمی را در جهت تحکیم روابط زناشویی و در نتیجه ثبات و استواری نهاد خانواده ایفا کند (چراغی و همکاران، ۱۳۹۶). بکارگیری راهبردهای ناکارآمد در برون‌ریزی هیجانات (خشم، غم، تنفر، حقارت، احساس گناه، ترس، عصبانیت...) (محمدی، ۱۳۹۵)؛ موجب اختلال در روابط زناشویی (بوک والا، سوبین و زندانیوک، ۲۰۱۵) و ایجاد ارتباطات مخرب و آسیب‌زا در بین زوجین و افزایش احتمال طلاق عاطفی می‌شوند (آماتووهمان‌ماریوت، ۲۰۱۷)، (کرک، گالاگر و کولمن، ۲۰۱۵). پژوهش کارن‌وتامارن (۲۰۱۰) نشان داد که مؤلفه‌های (همدلی، آگاهی هیجانی، تنظیم هیجانی و بیان هیجانی)؛ (خوش‌بینی و کنترل تکانه) و (امنیت، همدلی، احترام، پذیرش، لذتمندی از روابط صمیمانه، شوخ‌طبعی، وجود نقطه نظرات مشترک در مسائل زناشویی) نقش مهمی در رضایت زناشویی و کاهش آن موجب بروز تعارضات زناشویی و طلاق عاطفی می‌گردد (براکت و همکاران، ۲۰۱۵)؛ گراس و تامپسون، ۲۰۱۷؛ نجاتی و گودرزی، ۱۳۹۴؛ ولی‌نژاد، ۱۳۹۲؛ محمودی و حمیدی، ابراهیمی مقدم، ۱۳۹۷). توانایی ایجاد و حفظ یک رابطه زوجی رضایت‌بخش، نیاز به توانایی شناسایی هیجانات و نیز ابراز هیجانات به همسر و توانایی فهم، درک و پذیرش هیجانات، تعهد و حفظ امنیت و اعتماد همسران از یکدیگر است (هیزو و همکاران، ۲۰۱۵)؛ لوالیکار، کالکارنی و جاگتاپ، ۲۰۱۰)، زیرا وجود افکار و نگرش‌های ناسازگارانه و چگونگی تفسیر احساسات، هیجانات به صورت ناکارآمد در روابط زوجی موجب بروز تعارضات زناشویی، ایجاد دلزدگی زناشویی و سپس طلاق عاطفی می‌گردد (زرگری نژاد و احمدی، ۱۳۹۸)، با توجه به اینکه زوجین در مواجهه با رویداد‌های استرس‌زا، از هیجانات متفاوتی برای اصلاح یا تعدیل تجربه‌ی هیجانی خود براساس نوع ساختار شخصیت‌شان بکار می‌برند، نوع برون‌ریزی احساسات می‌تواند تأثیرات بسزایی را در روابط و تعاملات زناشویی ایجاد سازند (تروی، ۲۰۱۲). بر همین اساس آگاهی و شناخت هیجانات و نحوه اثرگذاری هیجانات در روابط بین فردی و زناشویی (لوسین، ۲۰۱۶)؛ رقیبی و قره‌چاهی، ۱۳۹۲) در ایجاد (درک متقابل، امنیت، همدلی، تعهد، پذیرش) نقش اساسی ایفا می‌سازد (رحمتی و همکاران، ۱۳۹۹). با توجه به اهمیت نقش طلاق عاطفی در به خطر انداختن کارکرد خانواده و سلامت جامعه و نظر به این نکته که طلاق عاطفی در کشور با تغییرات چشم‌گیری روبه‌رو است، خلأ این گونه پژوهش‌های بنیادی علمی، جدی به نظر می‌رسد. پژوهش صورت گرفته با هدف ارائه مدلی برای پیش‌بینی طلاق عاطفی براساس تمایز یافتگی با نقش میانجی ساختار شخصیت و تجربه مایی انجام شد که با مشخص کردن متغیرهای پیش‌بین طلاق عاطفی، می‌توان زمینه را برای پژوهش‌های مداخله‌ای فراهم ساخت و از طلاق عاطفی که همانند طلاق رسمی رو به افزایش است، پیشگیری نمود؛ بنابراین پژوهشگر در پی پاسخ به سؤال زیر است:

۱. آیا طلاق عاطفی بر اساس تمایز یافتگی با نقش میانجی ساختار شخصیت و تجربه مایی قابل پیش‌بینی است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف پژوهشی بنیادی و از نظر روش جزء پژوهش‌های توصیفی - همبستگی از نوع اکتشافی-متوالی و هدایت شده بود. جامعه آماری پژوهش دربرگیرنده کلیه والدین دانش‌آموزان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و راهنمایی انجمن اولیا و مربیان آموزش و پرورش شهر تهران در سال ۱۳۹۹ که

تعداد آن‌ها بالغ بر ۱۲۵۸ نفر بود. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی چندمرحله‌ای با توجه به تجربیات پیشین محقق، شهر تهران به پنج منطقه (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) تقسیم گردید و از هر منطقه تعداد پنج مرکز مشاوره به صورت تصادفی ساده انتخاب شد و از هر مرکز مشاوره تعداد ۱۵ نفر از والدین به صورت غیر تصادفی، داوطلبانه و در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شد، به طور کلی از هر منطقه ۷۵ نفر از والدین مراجعه کننده به مراکز مشاوره به عنوان نمونه انتخاب شدند و حجم نمونه بر اساس نرم‌افزار آماری سمپل پاور (۳۵۰ نفر) و با توجه به احتمال ۲۰ درصد افت آزمودنی‌ها تعداد نمونه ۴۲۰ نفر انتخاب شد. معیارهای ورود به پژوهش شامل حداقل هفت سال زندگی مشترک، محدوده سن ازدواج بین ۲۵ تا ۴۵ سال به بالا، دارای سواد کافی بمنظور پاسخدهی به پرسشنامه‌های مذکور، داشتن تعارضات و مشکلات زناشویی، بگونه‌ای که در زمان پژوهش، درمان روانشناختی ویژه‌ای در زمینه بهبود تعارضات زناشویی دریافت نکرده باشند و اگر نیز دریافت کرده انداز درمان‌های قبلی حداقل یکماه گذشته باشد، عدم سابقه بیماری عصبی، روانی و سابقه بستری در بیمارستان، معیارهای خروج داشتن بیماری‌های جسمانی و روانی مشهود و حاد، سوءمصرف مواد، بود.

ابزار پژوهش

۱. **پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن.** این پرسشنامه ۲۴ سؤالی توسط گاتمن ۲۰۰۸ از کتاب موفقیت یا شکست ساخته شده است و به شیوه بله یا خیر باید به آن پاسخ داد. پاسخ بله امتیاز یک و پاسخ خیر صفر امتیاز می‌گیرد. حداقل نمره در این مقیاس صفر و حداکثر نمره ۲۴ است. هر چقدر میزان جواب‌های بله بیشتر باشد احتمال طلاق عاطفی بیشتر است. نقطه برش این پرسشنامه عدد ۸ است که اگر نمره فردی بالاتر از آن باشد در معرض خطر طلاق عاطفی قرار دارد و توصیه می‌شود که کورد کمک حرفه‌ای توسط متخصصان مربوطه قرار گیرد. برای به دست آوردن روایی سازه از تحلیل عاملی به روش چرخشی واریانس و آزمون اسکری استفاده شد. در پژوهش موسوی و رضازاده (۱۳۹۳) آلفای کرونباخ برای اعتبار مقیاس ۰/۹۳ ذکر شده است. در پژوهش حاضر ۰/۸۳ به دست آمد.

۲. **پرسشنامه تمایز یافتگی خود.** پرسشنامه تمایز یافتگی خود توسط اسکورن و فریدلندر در سال ۱۹۹۸ ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۴۵ گویه است که سؤالات مربوط به افکار و احساسات افراد درباره خودشان و ارتباط آنها با دیگران است. این پرسشنامه دارای ۴ خرده مقیاس واکنش پذیری هیجانی، جایگاه من، گسلس عاطفی و هم آمیختگی با دیگران است که براساس طیف شش درجه ای لیکرتی از یک تا شش، نمره‌گذاری می‌شود. نمره گذاری پرسشنامه براساس طیف لیکرت ۶ نقطه ای (ابدا در مورد من صحیح نیست، عدد ۱ تا کاملا در مورد من صحیح است، عدد ۶) مورد سنجش قرار می‌گیرد. در این پرسشنامه تعداد سؤالات مورد ارزیابی در خصوص هر کدام از زیر مقیاس‌های تمایز یافتگی شامل واکنش پذیری هیجانی (۱۱ سؤال) که بازتاب دهنده درجه ای است که فرد به محرک طبیعی با حساسیت بیش از حد یا با تغییر پذیری عاطفی پاسخ می‌دهد. جایگاه من (۱۱ سؤال) که در کنار تعریف واضح حس خود، میزان وفاداری به عقاید شخصی را در زمانی که فرد مجبور به انجام خلاف عقاید خود است، مشخص می‌کند. گسلس عاطفی (۱۲ سؤال) نشان دهنده احساس ترس از صمیمیت و احساس آسیب پذیری بیش از حد در ارتباط با دیگران است. ماده‌های مرتبط با این خرده مقیاس نشان دهنده ترس از روابط صمیمانه، رفتارهای

دفاعی مانند عملکرد بیش از حد، فاصله‌گیری، یا انکار می‌باشد. هم آمیختگی با دیگران (۱۲ سؤال) که نشان‌دهنده درگیری در روابط بیش از حد عاطفی با دیگران است را دربر می‌گیرد. در این پرسشنامه بعضی سوال‌ها بصورت معکوس نمره گذاری می‌شود. حداکثر نمره پرسشنامه ۲۷۶ می‌باشد و نمرات بین ۴۶ تا ۱۱۵ نشان دهنده میزان تمایز یافتگی پایین، نمرات بین ۱۱۵ تا ۱۶۱ نشان دهنده میزان تمایز یافتگی متوسط و نمره بالاتر از ۱۶۱ بیانگر میزان تمایز یافتگی بالا است. اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸) با استفاده از روش آلفای کرونباخ ضریب پایایی برای مقیاس کلی تمایز یافتگی ۰/۸۸ و برای خرده مقیاس واکنش پذیری عاطفی ۰/۸۳، جایگاه من ۰/۸۰، گریز عاطفی ۰/۸۰ و هم آمیختگی با دیگران ۰/۷۴ گزارش دادند. همچنین ضریب آلفا در پژوهش پلک و پوپکو (۲۰۰۴) ۰/۸۴ گزارش شده است. نجف‌لویی (۱۳۸۵)، آلفای کرونباخ برای واکنش پذیری عاطفی ۰/۸۱، هم آمیختگی با دیگران ۰/۷۹، جایگاه من ۰/۶۴، گریز عاطفی ۰/۷۶ و نمره کل مقیاس ۰/۷۲ گزارش نمود. سلطانی (۱۳۷۸) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴ گزارش داشت. همچنین ثنایی، هومن و علاقمند (۱۳۸۸) به منظور اطمینان از روایی پرسشنامه تمایز یافتگی خود، از ده نفر از صاحب نظران در این زمینه نظر خواهی شده که روایی محتوایی این ابزار مورد تأیید قرار گرفته شد. اسکیان (۱۳۸۴) آلفای کرونباخ ۰/۸۱ و همچنین روایی محتوایی پرسشنامه مطلوب گزارش شد. در این پژوهش میزان اعتبار پرسشنامه تمایز یافتگی براساس آلفای کرونباخ ۰/۸۲ و در خصوص هر یک از خرده مقیاس‌های به ترتیب واکنش پذیری هیجانی ۰/۸۳، جایگاه من ۰/۸۲، گسلس عاطفی ۰/۸۳ و هم آمیختگی با دیگران ۰/۸۱ بدست آمد.

۳. پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی نئو. فرم بلند پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی توسط مک کری و کاستا (۱۹۹۲) ساخته شده است و دارای ۲۴۰ سوال می‌باشد این پرسشنامه ۵ جنبه اصلی شخصیت و ۶ خصوصیت در هر عامل یا به عبارتی ۳۰ خصوصیت را اندازه می‌گیرد. پنج جنبه اصلی شخصیت در برگیرنده نورزگرایی (N)، برون‌گرایی و درون‌گرایی (E)، تجربه‌پذیری و یا گشودگی به تجربیات جدید (O)، توافق‌پذیری یا همسازی (A) و وظیفه‌شناسی (C) می‌باشد که براساس طیف لیکرت نمره‌گذاری و محاسبه می‌شود. بگونه‌ای که به‌گزینه (کاملاً قبول دارم ۴، قبول دارم ۳، بدون نظر ۲، رد ۱ و کاملاً رد ۰) نمره تعلق می‌گیرد. در این پرسشنامه برخی از سئوال‌ها به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. در این پرسشنامه نمره کلی به دست نمی‌آید، بلکه ۵ نمره در خصوص هر کدام از عوامل شخصیت به دست می‌آید که نمرات بدست آمده نشان دهنده یک عامل شخصیت می‌باشد. پرسشنامه شخصیتی NEO-AC توسط مک کری و کاستا (۱۹۹۲) در یک پژوهش طولی ۷ ساله، ضرایب پایایی ۰/۵۱ تا ۰/۸۲ برای هجده زیرمقیاس ابعاد نورزگرایی، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، بدست آمد و برای دو مقیاس توافق و وظیفه‌شناسی و ۱۲ زیرمقیاس آن ضرایب پایایی ۰/۶۳ تا ۰/۸۱ هم در گزارش‌های شخصی فرم S و هم در گزارش‌های زوج‌ها فرم R به دست آمد. فرم ۵ عاملی این پرسش‌نامه بر روی ۲۰۸ نفر از دانشجویان به فاصله سه ماه توسط گروسی (۱۳۸۹) اجرا گردید و ضریب پایایی ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹ و ۰/۷۹ به ترتیب برای عوامل N، E، O، A، C به دست داده است. حق‌شناس (۱۳۸۷) نشان داده است که مقیاس‌های تست NEOPI-R دارای پایایی درونی قابل‌قبولی از نظر آماری در ایران است و ضرایب پایایی ابعاد اصلی آزمون بین ۰/۵۳ تا ۰/۸۷ گزارش داشت. روایی ملاکی این پرسش‌نامه نیز از طریق محاسبه همبستگی بین دو فرم S برای گزارش

شخصی و فرم R برای گزارش مشاهده گر در روابط همسران محاسبه شد که در بین عوامل اصلی، حداکثر همبستگی به میزان ۰/۶۶ در عامل برون گرایی و حداقل آن به میزان ۰/۴۵ در عامل همسازی و در بین وجوه عوامل اصلی، حداکثر همبستگی به میزان ۰/۷۰ در وجه اعتماد کردن و حداقل آن به میزان ۰/۲۹ در وجه تجربه پذیری در احساس ها و دل رحم بودن و میزان این همبستگی ها بین ۰/۲۹ تا ۰/۷۰ گزارش شده است که روایی بالای این مقیاس را نشان می دهد. در این پژوهش میزان اعتبار پرسشنامه ساختار شخصیت براساس آلفای کرونباخ ۰/۸۱ و در خصوص هر یک از خرده مقیاس های به ترتیب روان نژندی ۰/۸۳، برون گرایی ۰/۸۲، تجربه پذیری ۰/۸۱، توافق پذیری ۰/۸۲ و وظیفه شناسی ۰/۷۹ بدست آمد.

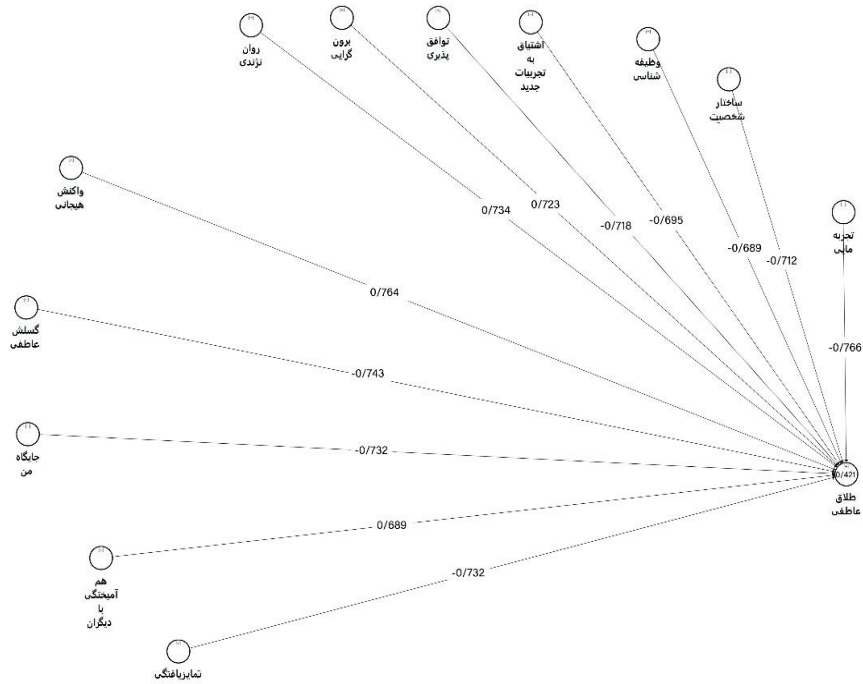
۴. پرسشنامه تجربه مایی. پرسشنامه تجربه مایی توسط ویدز و نیس بک و بودنمانن (۲۰۱۳) ساخته شده است و همچنین در ساخت این پرسشنامه از تئوری روابط سالم (B-SRQ) گاتمن (۲۰۰۶) نیز استفاده شده است؛ که چندین حوزه عملکرد زوجین را براساس تجربه مایی ارزیابی می کند؛ که جنبه هایی از (us,our-ness) در روابط زوجین در اداره زندگی را بررسی می کند. این پرسشنامه دارای ۱۷ گویه می باشد که هدف آن ارزیابی میزان تجربه مایی بین همسران در زمینه های (احساس امنیت، همدلی، تعهد، احترام و درک متقابل، صمیمیت و لذتمندی در رابطه، معنای دید مشترک در زندگی) را می سنجد. نمره گذاری بر اساس طیف پنج گزینه ای لیکرت انجام می شود و از طرفی این شیوه نمره گذاری در مورد سوالات شماره ۷، ۱۰، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ بصورت معکوس صورت می گیرد. امتیاز کلی پرسشنامه تجربه مایی در میان همسران از مجموع امتیازات تک تک سوالات محاسبه می شود. با توجه به نقطه برش پرسشنامه که ۴۳ می باشد هر چقدر میزان نمرات به دست آمده بالاتر از نقطه برش باشد نشان دهنده تجربه مایی و اتحاد کامل زناشویی بالاتر فرد پاسخ دهنده با همسرش خواهد بود و برعکس. میزان روایی پرسشنامه تجربه مایی در پژوهش ویدز و نیس بک و بودنمانن (۲۰۱۳) براساس تحلیل عاملی تاییدی روایی این پرسشنامه در خصوص تمام عامل ها اثبات شده است. از طرفی میزان آلفای کرونباخ بدست آمده در خصوص ثبات داخلی پرسشنامه تجربه مایی در همسران $\alpha = 0/89$ و $\alpha = 0/82$ در مجموعه داده ها در خصوص زنان این میزان $\alpha = 0/75$ و برای مردان این میزان برابر $\alpha = 0/82$ بدست آمده است. همچنین میزان اعتبار در خصوص هر کدام از مقیاس ها به ترتیب (احساس امنیت ۰/۷۹، همدلی ۰/۷۸، تعهد ۰/۸۱، احترام و درک متقابل ۰/۸۳، صمیمیت و لذتمندی در رابطه ۰/۸۰، معنای دید مشترک در زندگی ۰/۸۲) گزارش شده است. در پژوهش چراغی و همکاران (۱۳۹۶) در خصوص اتحاد همسران روایی صوری و محتوایی، با استفاده از نظر کارشناسان و اساتید مورد سنجش و تایید گرفته شده است و با استفاده از تحلیل عاملی نیز برازش شش عامل آن مورد تایید قرار گرفته شده است. برای محاسبه پایایی آن از آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج آن ۰/۹۵ گزارش شده است. در پژوهش رحمتی و همکاران میزان اعتبار و روایی تجربه مایی در حد مطلوبی گزارش شده است. در این پژوهش میزان اعتبار پرسشنامه تجربه مایی براساس آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و در خصوص هر یک از خرده مقیاس های به ترتیب (احساس امنیت ۰/۸۰، همدلی ۰/۸۲، تعهد ۰/۸۱، احترام و درک متقابل ۰/۸۵، صمیمیت و لذتمندی در رابطه ۰/۸۴، معنای دید مشترک ۰/۸۳) بدست آمد.

روش اجرا. با توجه به اینکه جمعیت مورد مطالعه یا جمعیت هدف شامل کلیه ی والدین دانش آموزان مراجعه کننده به مراکز مشاوره و راهنمایی انجمن اولیا و مربیان آموزش و پرورش شهر تهران بود؛ که بنابر

خوداظهاری والدین در زندگی زناشویی خود دارای تنش‌ها و تعارضات زناشویی بوده‌اند. با توجه به اینکه پژوهش از نوع همبستگی و همخوانی است، نمونه‌گیری در این پژوهش با توجه به اهداف پژوهش بصورت هدفمند و طبق اصول صحیح و علمی و بر اساس نرم افزار sample power (۳۵۰ نفر) و با توجه به احتمال ۲۰ درصد افت آزمودنی‌ها تعداد نمونه ۴۲۰ نفر از میان والدین دانش‌آموزان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و راهنمایی در نظر گرفته شد. گزینش والدین، براساس ارزیابی شرکت‌کنندگان براساس میزان تعارضات در روابط و تعاملات زناشویی، صورت پذیرفت. شاخص‌های حضور شرکت‌کنندگان در پژوهش سلامت روان شناختی، مدت تاهل حداقل ۷ سال، زندگی در یک خانه مشترک بود. برای دستیابی به نمونه‌های پژوهش ابتدا با مراجعه به مراکز مشاوره و راهنمایی انجمن اولیاء و مربیان آموزش و پرورش شهر تهران پیرامون هدف و فرآیند انجام تحقیق و مجوزهای کسب شده گفتگویی صورت پذیرفت و سپس با کسب رضایتمندی از مدیریت مراکز راهنمایی و مشاوره، این امکان فراهم گردید که در خصوص اجرای پرسشنامه‌ها با والدین دانش‌آموزانی که به مراکز مشاوره مراجعه داشتند مصاحبه اولیه‌ای انجام شد و سپس افرادی که شرایط و ملاک‌های لازم برای ورود به پژوهش و نیز تمایل به شرکت در انجام پژوهش را داشتند، با کسب رضایتمندی و بیان حفظ محرمانه بودن اطلاعات از افراد خواسته شد که در روز و زمان و ساعت مشخص شده توسط مراکز مشاوره و راهنمایی بمنظور رعایت پروتکل‌های بهداشتی بدلیل شرایط اپیدمی کرونا والدین در مراکز مشاوره حضور پیدا کنند و با دقت به سئوالات پرسشنامه‌های مذکور پاسخ دهند. با توجه به اینکه احتمال افت آزمودنی‌ها به علت عدم همکاری با توجه به شرایط اپیدمی کرونا و یا مشغله کاری برخی از افراد پیش‌بینی می‌شد، بمنظور اینکه حجم نمونه‌ی مورد نظر با حجم نمونه واقعی تفاوت چندانی نداشته باشد، تعداد حجم نمونه بیش از حد مورد انتظار در نظر گرفته شد و در نهایت تعداد ۳۵۰ پرسشنامه کامل در محیط نرم افزار spss و نرم افزار مدل‌یابی ۸،۳ smart pls مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

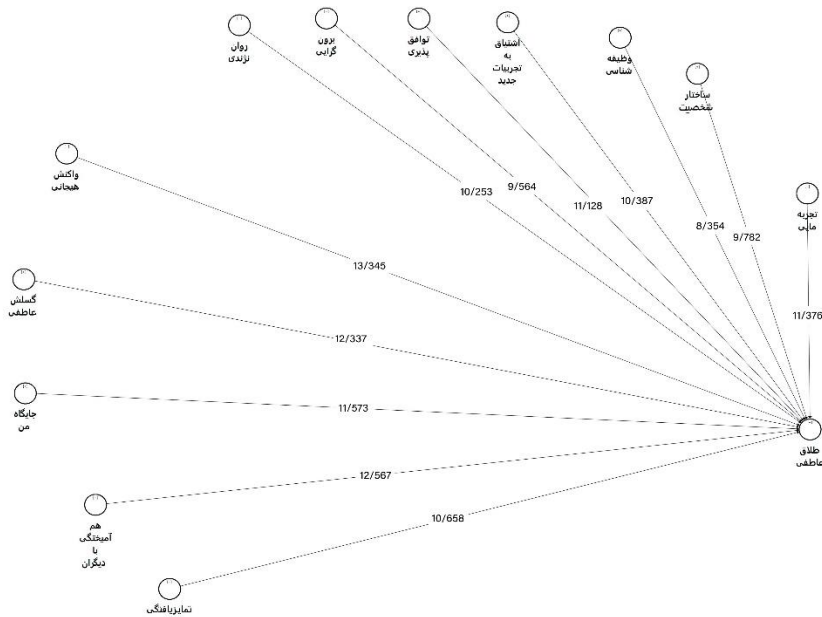
یافته‌ها

براساس ویژگی جمعیت شناختی یافته‌های حاصله نشان داد که: افراد مورد مطالعه بر اساس ویژگی جمعیت شناختی از لحاظ دامنه سنی (۴۶/۲۸ درصد) بین ۳۶ تا ۴۰ سال و از لحاظ تعداد فرزند (۴۶ درصد) دارای دو فرزند و از لحاظ میزان تحصیلات (۷/۱۴ درصد) دارای مدرک دیپلم و (۱۷/۱۴ درصد) دارای مدرک کاردانی و (۴۶/۸۵ درصد) دارای مدرک کارشناسی و (۲۸/۸۵ درصد) دارای مدرک کارشناسی ارشد و از لحاظ مدت تاهل (۳۰ درصد) بین ۱۱ تا ۱۵ سال و از لحاظ شغل (۴۷/۷۱ درصد) خانه‌دار بودند.



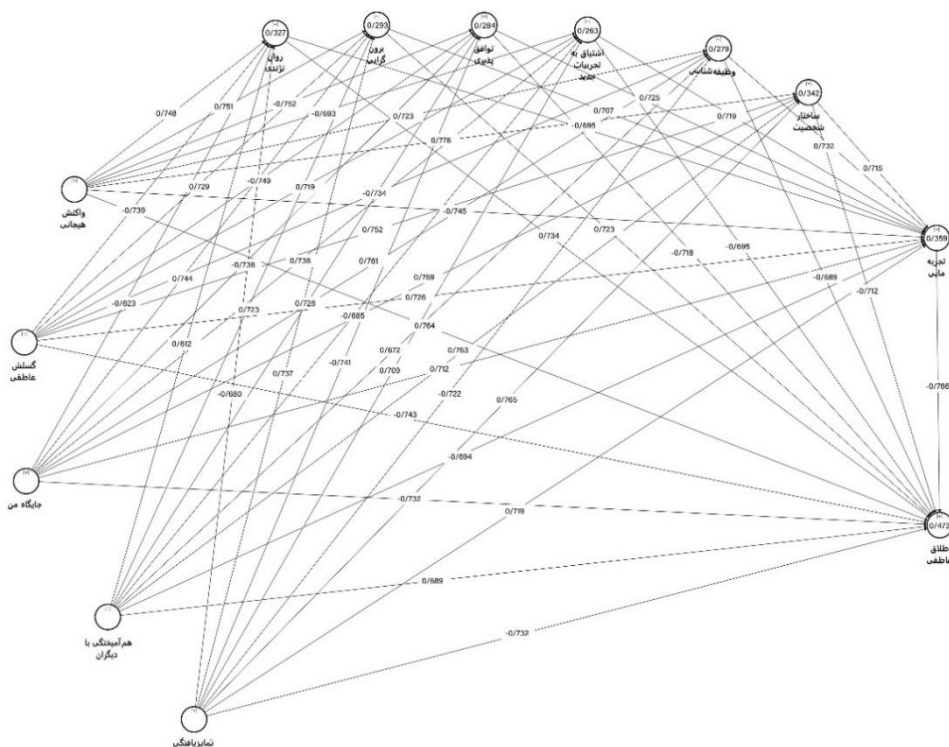
شکل ۱. مدل اندازه گیری در حالت تخمین ضرایب استاندارد بدون حضور میانجی

نتایج شکل ۱ نشان می دهد که آزمون همگن بودن در قالب تحلیل عاملی تأییدی بر روی الگوی در حالت تخمین ضرایب استاندارد بدون حضور میانجی انجام گرفت که نتایج نشان داد بار عاملی هر سؤال حداقل بالای ۰/۷ بوده است.



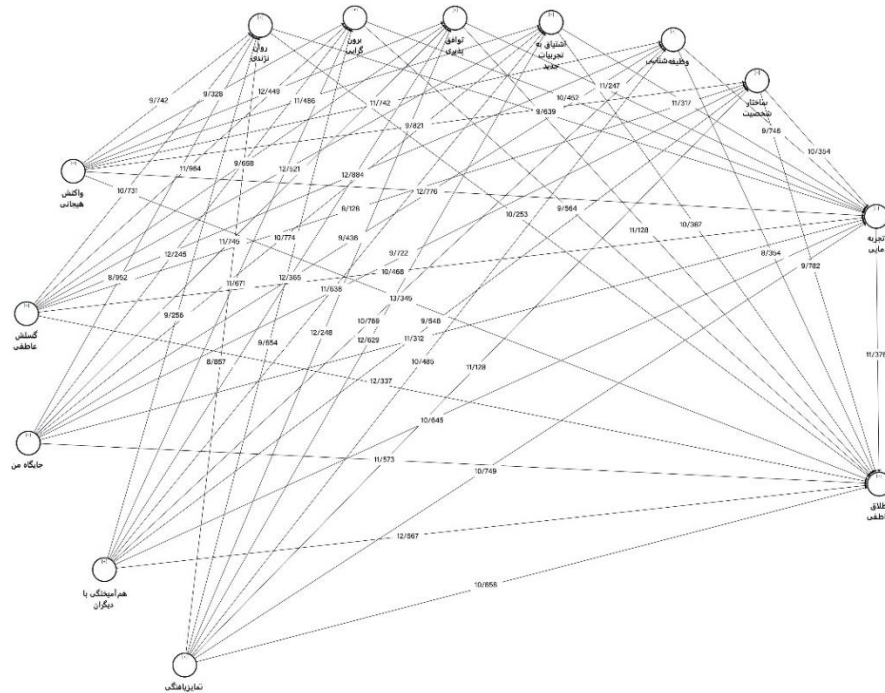
شکل ۲. مدل اندازه گیری در حالت معناداری ضرایب بدون حضور میانجی

نتایج شکل ۲ نشان می‌دهد که آزمون همگن بودن در قالب تحلیل عاملی تأییدی بر روی الگوی در حالت معناداری ضرایب بدون حضور میانجی انجام گرفت که نتایج نشان داد با توجه به مقدار سطح معناداری که کمتر از ۰/۰۱ است و یا مقدار آماره تی که خارج از بازه $-۱/۹۶$ و $۱/۹۶$ است فرض صفر رد و فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شود.



شکل ۳. مدل ساختاری در حالت تخمین ضرایب استاندارد با حضور میانجی

همچنین نتایج شکل ۳ نشان می‌دهد که آزمون همگن بودن در قالب تحلیل عاملی تأییدی بر روی الگوی در حالت تخمین ضرایب استاندارد با حضور میانجی انجام گرفت که نتایج نشان داد که بار عاملی هر سؤال حداقل بالای ۰/۷ باشد.



شکل ۴. مدل ساختاری در حالت معناداری ضرایب با حضور میانجی

همچنین نتایج شکل ۴ نشان می دهد که آزمون همگن بودن در قالب تحلیل عاملی تأییدی در حالت معناداری ضرایب با حضور میانجی نتایج نشان داد با توجه به مقدار سطح معناداری که کمتر از ۰/۰۱ است و یا مقدار آماره تی که خارج از بازه $-1/96$ و $1/96$ است فرض صفر رد و فرضیه های پژوهش تأیید می شود.

جدول ۱. نتایج آزمون پایایی الگوی طلاق عاطفی بر اساس مؤلفه های تمایز یافتگی با نقش میانجی

ساختار شخصیت و تجربه مایی

آلفای کرونباخ	همبستگی اسپیرمن	پایایی ترکیبی دلون گلدشتاین	پایایی اشتراکی	پایایی اشتراکی > پایایی ترکیبی	
۰/۷۳	۰/۸۲	۰/۸۲	۰/۷۵	۰/۷۵ > ۰/۸۲۵	واکنش هیجانی
۰/۸۲	۰/۸۱	۰/۷۹	۰/۷۶	۰/۷۶ > ۰/۷۹۸	جایگاه من
۰/۸۳	۰/۸۲	۰/۸۲	۰/۷۴	۰/۷۴ > ۰/۸۲۱	گسلس عاطفی
۰/۸۱	۰/۸۰	۰/۷۸	۰/۷۴	۰/۷۴ > ۰/۷۸۶	هم آمیختگی با دیگران
۰/۸۲	۰/۸۱	۰/۸۰	۰/۷۵	۰/۷۵ > ۰/۸۰۷	تمایز یافتگی
۰/۸۳	۰/۸۱	۰/۸۵	۰/۷۹	۰/۷۹ > ۰/۸۵	روان نژندی
۰/۸۲	۰/۸۰	۰/۸۴	۰/۷۷	۰/۷۷ > ۰/۸۴	برون گرایی

تجربه پذیری	۰/۸۱	۰/۷۸	۰/۸۲	۰/۷۳	> ۰/۷۳ ۰/۸۲
توافق پذیری	۰/۸۲	۰/۷۹	۰/۸۳	۰/۷۶	> ۰/۷۶ ۰/۸۳
وظیفه شناسی	۰/۷۹	۰/۷۷	۰/۸۱	۰/۷۲	> ۰/۷۲ ۰/۸۱
ساختار شخصیت	۰/۸۱	۰/۷۹	۰/۸۳	۰/۷۵	> ۰/۷۵ ۰/۸۳
تجربه مایی	۰/۸۳	۰/۸۱	۰/۸۲	۰/۷۵	> ۰/۷۵ ۰/۸۲
طلاق عاطفی	۰/۷۸	۰/۸۱	۰/۸۲	۰/۷۲	> ۰/۷۲ ۰/۸۲

آزمون های پایایی مدل اندازه گیری براساس نتایج جدول ۱ نشان می دهد: پایایی مدل بر اساس ضریب آلفای کرونباخ در هریک از متغیرها بالای ۰/۷ است؛ بنابراین پایایی توسط آلفای کرونباخ تایید می شود. همچنین نتایج آزمون پایایی ترکیبی (دلونین گلدشتاین) و شاخص ضریب همبستگی اسپیرمن نشان می دهد که CR و rho_a هر یک از متغیرها نیز بالای ۰/۷ می باشد. از طرفی آزمون پایایی اشتراکی که در بر گیرنده این مفهوم است که هر سوال در حقیقت شاخص اشتراکی یا سهمی است که آن سوال از متغیر خود سنجش می کند. مطابق با عرف علمی، میانگین این شاخص در خصوص متغیرهای مورد بررسی بالاتر از ۰/۵ می باشد؛ بنابراین بر اساس چهار آزمون پایایی، مدل مورد تایید قرار می گیرد و می توان ادعا نمود که نتایج پژوهش به نمونه های دیگری از همان جامعه قابل تعمیم است. بمنظور بررسی روایی سازه مدل انعکاسی روایی همگرا و روایی واگرا از دو آزمون میانگین واریانس استخراجی و مقایسه آزمون پایایی ترکیبی CR با میانگین واریانس استخراجی که در برگیرنده همان پایایی اشتراکی AVE می باشد، مورد سنجش قرار گرفت. نتایج نشان داده است که کلیه متغیرها دارای CR بزرگتر از AVE می باشد، بنابراین هر دو شرط روایی همگرا بر قرار است و می توان ادعا نمود مدل دارای همگرایی می باشد و نیز کلیه شاخص های AVE بالاتر از ۰/۵ است بنابراین شرط اول روایی همگرا بودن نیز برقرار است. همچنین بر اساس سه آزمون بارهای عرضی، فورنر لارکر (۱۹۸۱) و HTMT روایی واگرا در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفته است و با تأیید روایی همگرا می توان ادعا کرد که الگوی تدوین شده از روایی سازه برخوردار است.

جدول ۲. کیفیت مدل اندازه گیری شاخص اشتراکی روایی CVCOM

واکنش هیجانی	جایگاه من	گسلس عاطفی	هم آمیختگی یا...	تمایز یافتگی	روان نزدی	بروز گرای	تجربه پذیری	توافق پذیری	وظیفه شناسی	ساختار شخصیت	تجربه مایی	طلاق عاطفی
۰/۳۴	۰/۳۲	۰/۳۳	۰/۳۱	۰/۳۲	۰/۳۳	۰/۳۲	۰/۳۹	۰/۳۱	۰/۳۷	۰/۳۱	۰/۳۳	۰/۴۲

با توجه به اینکه کیفیت جایگزین برازش در معادلات ساختاری کوواریانس محور، شاخص اشتراکی روایی متقاطع است که نتایج بدست آمده نشان داده است مقادیر الگو شاخص کیفیت اندازه گیری بالاتر از ۰/۱۵ می باشد که نشان می دهد الگوی اندازه گیری از کیفیت بالایی برخوردار است.

جدول ۳. معناداری فرضیات و شدت و جهت تأثیر آن‌ها بر اساس مسیر مستقیم و غیرمستقیم

نتیجه	ضرایب استاندارد	ضرایب معناداری	مسیر مستقیم و غیر مستقیم
معنادار	۰/۷۶	۱۳/۳۴۵	واکنش هیجانی- < طلاق عاطفی
معنادار	-۰/۷۳	۱۱/۵۷۳	جایگاه من- < طلاق عاطفی
معنادار	-۰/۷۴	۱۲/۳۳۷	گسلش عاطفی- < طلاق عاطفی
معنادار	۰/۶۸	۱۲/۵۶۷	هم آمیختگی با دیگران- < طلاق عاطفی
معنادار	-۰/۷۳	۱۰/۶۵۸	تمایز یافتگی- < طلاق عاطفی
معنادار	-۰/۷۴	۱۲/۷۷۶	واکنش هیجانی- < تجربه مایی
معنادار	۰/۷۱	۱۱/۳۱۲	جایگاه من- < تجربه مایی
معنادار	۰/۷۲	۱۰/۴۶۸	گسلش عاطفی- < تجربه مایی
معنادار	-۰/۶۹	۱۰/۶۴۵	هم آمیختگی با دیگران- < تجربه مایی
معنادار	۰/۷۱	۱۰/۷۴۹	تمایز یافتگی- < تجربه مایی
معنادار	۰/۷۴	۹/۷۴۲	واکنش هیجانی- < روان نژندی
معنادار	-۰/۶۲	۸/۹۵۲	جایگاه من- < روان نژندی
معنادار	-۰/۷۳	۱۰/۷۳۱	گسلش عاطفی- < روان نژندی
معنادار	۰/۶۱	۹/۲۵۶	هم آمیختگی با دیگران- < روان نژندی
معنادار	۰/۶۸	۸/۸۵۷	تمایز یافتگی- < روان نژندی
معنادار	۰/۷۵	۹/۳۲۸	واکنش هیجانی- < برون گرایی
معنادار	۰/۷۴	۱۲/۲۴۵	جایگاه من- < برون گرایی
معنادار	۰/۷۲	۱۱/۹۶۴	گسلش عاطفی- < برون گرایی
معنادار	۰/۷۲	۱۱/۶۷۱	هم آمیختگی با دیگران- < برون گرایی
معنادار	۰/۷۳	۹/۸۵۴	تمایز یافتگی- < برون گرایی
معنادار	-۰/۶۹	۱۱/۴۸۶	واکنش هیجانی- < تجربه پذیری
معنادار	۰/۷۳	۱۰/۷۷۴	جایگاه من- < تجربه پذیری
معنادار	۰/۷۱	۱۲/۵۲۱	گسلش عاطفی- < تجربه پذیری
معنادار	-۰/۶۸	۱۱/۶۳۸	هم آمیختگی با دیگران- < تجربه پذیری
معنادار	۰/۷۰	۱۲/۶۲۹	تمایز یافتگی- < تجربه پذیری
معنادار	-۰/۷۵	۱۲/۴۴۹	واکنش هیجانی- < توافق پذیری
معنادار	-۰/۷۳	۱۱/۷۴۵	جایگاه من- < توافق پذیری
معنادار	-۰/۷۴	۹/۶۵۸	گسلش عاطفی- < توافق پذیری
معنادار	۰/۷۲	۱۲/۳۶۵	هم آمیختگی با دیگران- < توافق پذیری
معنادار	-۰/۷۴	۱۲/۲۴۸	تمایز یافتگی- < توافق پذیری
معنادار	۰/۷۲	۱۱/۷۴۲	واکنش هیجانی- < وظیفه شناسی
معنادار	۰/۷۶	۹/۴۳۶	جایگاه من- < وظیفه شناسی
معنادار	-۰/۷۳	۱۲/۸۸۴	گسلش عاطفی- < وظیفه شناسی
معنادار	۰/۶۷	۱۰/۷۶۹	هم آمیختگی با دیگران- < وظیفه شناسی
معنادار	-۰/۷۲	۱۰/۴۸۵	تمایز یافتگی- < وظیفه شناسی
معنادار	۰/۷۷	۹/۸۲۱	واکنش هیجانی- < ساختار شخصیت

معنادار	۰/۷۶	۹/۷۲۲	جایگاه من- < ساختار شخصیت
معنادار	۰/۷۶	۸/۱۲۸	گسلش عاطفی- < ساختار شخصیت
معنادار	۰/۷۶	۹/۵۴۸	هم آمیختگی با دیگران- < ساختار شخصیت
معنادار	۰/۷۶	۱۱/۱۲۸	تمایز یافتگی- < ساختار شخصیت
معنادار	-۰/۶۹	۹/۶۳۹	روان نژندی- < تجربه مایی
معنادار	۰/۷۰	۱۰/۴۵۲	برون گرایی- < تجربه مایی
معنادار	۰/۷۱	۱۱/۳۱۷	تجربه پذیری- < تجربه مایی
معنادار	۰/۷۲	۱۱/۲۴۷	توافق پذیری- < تجربه مایی
معنادار	۰/۷۳	۹/۷۴۶	وظیفه شناسی- < تجربه مایی
معنادار	۰/۷۱	۱۰/۳۵۴	ساختار شخصیت- < تجربه مایی
معنادار	۰/۷۳	۱۰/۲۵۳	روان نژندی- < طلاق عاطفی
معنادار	۰/۷۲	۹/۵۶۴	برون گرایی- < طلاق عاطفی
معنادار	-۰/۶۹	۱۰/۳۸۷	تجربه پذیری- < طلاق عاطفی
معنادار	-۰/۷۱	۱۱/۱۲۸	توافق پذیری- < طلاق عاطفی
معنادار	-۰/۶۸	۸/۳۵۴	وظیفه شناسی- < طلاق عاطفی
معنادار	-۰/۷۱	۹/۷۸۲	ساختار شخصیت- < طلاق عاطفی
معنادار	-۰/۷۶	۱۱/۳۷۶	تجربه مایی- < طلاق عاطفی

نتایج جدول ۳ در خصوص بررسی فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه آیا بر اساس مؤلفه‌های تمایز یافتگی، ساختار شخصیت و تجربه مایی می‌توان طلاق عاطفی را پیش‌بینی کرد؟ بررسی معناداری مسیرهای مستقیم نتایج نشان داده است که مسیر مستقیم مؤلفه‌های تمایز یافتگی، ساختار شخصیت و تجربه مایی با طلاق عاطفی با توجه به مقدار سطح معناداری که کمتر از ۰/۰۱ است و نیز مقدار ضرایب معناداری آماره t که خارج از بازه ۲/۵۸- و ۲/۵۸ است در سطح اطمینان ۰/۹۹ فرض صفر را رد و فرض پژوهش را که خبر از وجود رابطه معنادار مؤلفه‌های تمایز یافتگی، ساختار شخصیت و تجربه مایی با طلاق عاطفی را تأیید می‌کند. بر همین اساس می‌توان بیان داشت که فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد. همچنین به منظور بررسی مسیر غیرمستقیم رابطه در خصوص پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس مؤلفه‌های تمایز یافتگی با میانجی‌گری ساختار شخصیت و تجربه مایی نتایج ضرایب معناداری به دست آمده نشان می‌دهد که مسیر غیرمستقیم بین تمایز یافتگی و مؤلفه‌های آن با میانجی‌گری ساختار شخصیت و مولفه‌های آن و تجربه مایی با طلاق عاطفی با توجه به مقدار ضرایب معناداری آماره t در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنادار است. نتایج شمول واریانس تمایز یافتگی (۰/۴۲۹) و مولفه‌های آن (واکنش هیجانی (۰/۴۲۷)، جایگاه من (۰/۴۲۶)، گسلش عاطفی (۰/۴۲۸)، هم آمیختگی با دیگران (۰/۴۳۵)) نشان داده است که تجربه مایی برای دو متغیر تمایز یافتگی و مولفه‌های آن با طلاق عاطفی نقش میانجی‌گری جزئی دارد.

همچنین به منظور بررسی مسیر غیرمستقیم رابطه در خصوص پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس مؤلفه‌های تمایز یافتگی با میانجی‌گری ساختار شخصیت و مولفه‌های آن نتایج ضرایب معناداری به دست آمده نشان می‌دهد که مسیر غیرمستقیم بین تمایز یافتگی و مولفه‌های آن با میانجی‌گری ساختار شخصیت و مولفه‌های آن

های با طلاق عاطفی با توجه به مقدار ضرایب معناداری آماره t در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنادار است. نتایج شمول واریانس تمایز یافتگی (۰/۴۲۶) و مولفه های آن (واکنش هیجانی (۰/۴۱۹)، جایگاه من (۰/۴۲۷)، گسلس عاطفی (۰/۴۱۸)، هم آمیختگی با دیگران (۰/۴۴۱)) نشان داده است که ساختار شخصیت برای دو متغیر تمایز یافتگی و مولفه های آن با طلاق عاطفی نقش میانجی گری جزئی دارد. همچنین با توجه به نتایج ضرایب معناداری مسیر بدست آمده نشان می دهد که مسیر غیر مستقیم بین هر یک از مولفه های تمایز یافتگی (واکنش هیجانی، جایگاه من، گسلس عاطفی، هم آمیختگی با دیگران) و میانجی گری هر یک از مولفه های ساختار شخصیت (روان نژندی، برون گرایی، تجربه پذیری، توافق پذیری، وظیفه شناسی) با طلاق عاطفی با توجه به مقدار ضرایب معناداری آماره t در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنادار می باشد. نتایج شمول واریانس نشان داده است که مولفه ساختار شخصیت (روان نژندی) برای تمایز یافتگی (۰/۴۰۸) وهریک-ازمولفه های تمایز یافتگی (واکنش هیجانی (۰/۴۲۱)، جایگاه من (۰/۳۸۷)، گسلس عاطفی (۰/۴۲۵)، هم آمیختگی با دیگران (۰/۳۹۷)) و مولفه (برون گرایی) برای تمایز یافتگی (۰/۴۲۱) وهریک از مولفه های تمایز یافتگی (واکنش هیجانی (۰/۴۱۵)، جایگاه من (۰/۴۲۳)، گسلس عاطفی (۰/۴۱۴)، هم آمیختگی با دیگران (۰/۴۳۱)) و مولفه (تجربه پذیری) برای تمایز یافتگی (۰/۴۰۲) وهر یک از مولفه های تمایز یافتگی (واکنش هیجانی (۰/۳۸۶)، جایگاه من (۰/۴۱۲)، گسلس عاطفی (۰/۴۰۲)، هم آمیختگی با دیگران (۰/۴۰۸)) و نیز مولفه (توافق پذیری) برای تمایز یافتگی (۰/۴۲۰) وهریک از مولفه های تمایز یافتگی (واکنش هیجانی (۰/۴۱۴)، جایگاه من (۰/۴۱۹)، گسلس عاطفی (۰/۴۲۰)، هم آمیختگی با دیگران (۰/۴۳۰)) و مولفه (وظیفه شناسی) برای تمایز یافتگی (۰/۴۰۴) و هر یک از مولفه های تمایز یافتگی (واکنش هیجانی (۰/۳۹۴)، جایگاه من (۰/۴۱۷)، گسلس عاطفی (۰/۴۰۵)، هم آمیختگی با دیگران (۰/۴۰۲)) با طلاق عاطفی نقش میانجی گری جزئی دارد. بر همین اساس نتایج به دست آمده نشان داده که الگوی اندازه گیری با الگوی ساختاری هر دو از کیفیت نسبتاً مناسب و بالایی برخوردار است.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف ارائه مدل طلاق عاطفی بر اساس تمایز یافتگی با نقش میانجی ساختار شخصیت و تجربه مایی در والدین دانش آموزان مراجعه کننده به مراکز مشاوره و راهنمایی انجمن اولیاء و مربیان آموزش و پرورش شهر تهران انجام شد. برآیند پژوهش نشان داد: استفاده از روش مدل یابی معادلات ساختاری برای ارزیابی چگونگی برازش مدل ساختاری با داده های گردآوری شده در آزمون فرضیه اصلی پژوهش (ارائه مدلی برای پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس تمایز یافتگی با نقش میانجی ساختار شخصیت و تجربه مایی) با مدل نظری مطابقت دارد. بدین ترتیب فرض صفر رد و فرض خلاف تأیید گردید. بر پایه یافته های حاصله چنین نتیجه گیری می شود که مدل ساختاری پژوهش با داده های گردآوری شده برازش دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد: بین مولفه های تمایز یافتگی، ساختار شخصیت و تجربه مایی با طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد و مولفه های تمایز یافتگی با میانجیگری ساختار شخصیت و تجربه مایی با طلاق عاطفی شدت اثر مطلوبی داشته است. نتایج یافته های بدست آمده هم راستای پژوهش های خسروی و همکاران (۱۴۰۰)؛ رحمتی و همکاران (۱۳۹۹)؛ مام صالحی (۱۳۹۹)؛ رضوانی حورالعین و صائمی (۱۳۹۸)؛

خجسته‌مهر (۱۳۹۶)، زمانی‌وهمکاران (۱۳۹۶)، چراغی‌وهمکاران (۱۳۹۶)، حجت‌خواه (۱۳۹۵)؛ رشیدی و-همکاران (۱۳۹۵)، عسگری و همکاران (۱۳۹۴)، مامی و عسگری (۱۳۹۳)، طالبی و غباری بناب (۱۳۹۱)؛ زمانی محمود آبادی (۱۳۹۱)؛ غفاری، رفیعی و ثنایی (۱۳۸۸)؛ نجف لویی (۱۳۸۳)؛ اسکات و استنلی (۲۰۲۱)، توپکو-اورز و همکاران (۲۰۲۰)؛ کنستام (۲۰۱۹)؛ رضوانی و همکاران (۲۰۱۹)؛ لیون (۲۰۱۸)؛ لارسون و همکاران (۲۰۱۷)؛ گیلدیریسلو و همکاران (۲۰۱۷)؛ الیا و همکاران (۲۰۱۵)، منزی پاریس و همکاران (۲۰۱۵)؛ گودوین و همکاران (۲۰۱۳)؛ باسل و همکاران (۲۰۱۲)، چیو و اسشولتز (۲۰۱۱) بود. با توجه به اینکه پژوهش‌های مروری اندکی نشان داده است که تجربه مایی نقش اساسی در رشد و تکامل روابط رضایتبخش زوجین دارد اما براساس مطالعات صورت گرفته نشان داده است که نوع ساختار شخصیت هر یک از زوجین نیز در شکل‌گیری روابط زوجی رضایتبخش تاثیرگذار می‌باشد و زوجینی که از لحاظ ساختار شخصیت بایکدیگر هماهنگی ندارند گرایش به طلاق عاطفی و عدم صمیمیت زناشویی در آنها بالا می‌باشد.

در تبیین یافته‌ها می‌توان چنین عنوان داشت که طلاق عاطفی بیانگر رابطه زناشویی روبه زوالی است که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود. زن و شوهر اگرچه ممکن است با هم بودن را مانند یک گروه اجتماعی ادامه دهند، اما جاذبه و اعتماد آنها نسبت به یکدیگر از بین رفته است. طلاق عاطفی نقش مهمی در به خطر انداختن سلامت خانواده و فرد دارد، اگرچه این مسئله کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ بنابراین بر اساس نتایج، تمایز یافتگی پایین و وجود پیوندهای عاطفی شدید بین هریک از همسران با خانواده اصلی شان، چالش بزرگی برای ازدواج آنها محسوب نمی‌شود و با وجود آنکه در حال حاضر اغلب همسران پس از ازدواج منزلی جدا از دو خانواده را برای سکونت انتخاب می‌کنند اما پیوندی قوی با خانواده اصلی خود حتی پس از ازدواج دارند. لذا در هر جامعه‌ای شکست یا موفقیت در ازدواج از عوامل فرهنگی مردمان آن جامعه نیز تأثیر می‌گیرد. بطوری که افراد در بافت‌های فرهنگی مختلف اولویت‌ها، نیازها و انتظارات متفاوتی نسبت به ازدواج دارند که شیوه تحقق آنها می‌تواند کیفیت رابطه زناشویی آنها را تحت تأثیر قرار دهد. در تبیین این پژوهش می‌توان بیان داشت که وجود تمایز یافتگی در افراد می‌تواند از بروز بسیاری از مشکلات جلوگیری کند و برعکس افرادی که تمایز نیافتگی پایینی دارند در برخورد با مسائل به جای تصمیمات منطقی و عقلانی شدیداً احساسی شوند و با استرس و اضطراب خود مشکلات را تشدید می‌کنند. هرچند بعضی از مشکلات در زندگی زناشویی باعث نمی‌شود که زوجین طلاق بگیرند ولی به تدریج باعث طلاق عاطفی زوجین خواهد شد که می‌تواند ریشه در تمایز نیافتگی خود در زوجین باشد. طلاق عاطفی می‌تواند زندگی را برای افراد سخت و دشوار کند و بروز مشکلات متعدد دیگری شود. در نتیجه می‌توان در نظر داشت که با آموزش و افزایش تمایز یافتگی خود و دانستن راه حل مشکلات به صورت منطقی می‌توان طلاق عاطفی را در زندگی زناشویی کاهش داد و از بروز بسیاری از مشکلات جلوگیری کرد. براساس نظریه بوئن تمایز خود، جدایی هیجانی، شناختی و استقلال خود از دیگران را شامل شده و افراد در جریان تفرد درک هویت خویش را کسب می‌کنند. لذا این تمایز از خانواده اصلی، آنها را قادر می‌سازد تا مسئولیت افکار، احساسات، ادراک‌ها و اعمال خود را بپذیرند. به بیانی دیگر فرد تمایز یافته در برخورد با مسائل و مشکلات زندگی توانایی برخورد منطقی عقلانی را داشته و می‌تواند از برخورد با مسائل به صورت احساسی

جلوگیری کند؛ بنابراین این گروه از افراد توانایی حل مسائل را به صورت مسالمت آمیز دارا می باشند. در نقطه مقابل افرادی که سطح تمایز یافتگی پایینی دارند، اضطراب بالاتر و آمیختگی بیشتری بین عقل و احساساتشان داشته و در روابط با دیگران دچار تنش های عاطفی می شوند. لذا با توجه به نظریه بوئن می توان بیان داشت زوج هایی که سطح تمایز یافتگی پایینی دارند در برخورد با مسائل و مشکلات زندگی توانایی تصمیم گیری عقلانی کمتری داشته و از طرفی این زوج ها به دلیل وابستگی به سیستم خانواده اصلی و تداخل میان دو سیستم دچار مشکلاتی می شوند که این خود باعث افزایش درگیری ها و مشکلات و در نهایت افزایش طلاق عاطفی می گردد (فله و همکاران، ۲۰۱۹). بر همین اساس آنچه که در روابط همسران ضرورت دارد توانایی به دست آوردن کنترل عاطفی و در عین حال، ماندن در جو عاطفی خانواده می باشد (اسلوان و دیگران، ۲۰۱۷).

با توجه به اهمیت رضایت زناشویی در افزایش کارکرد خانواده بر پایه ساختار شخصیت هر یک از زوجین در سلامت خانواده و فرد و ضرورت مطالعه عوامل مرتبط با آن، در ایجاد آرامش یا بروز هیجان ها و آشفتگی های روانی در رضایت زناشویی تاثیرگذار است. ویژگی های شخصیتی و سلامت روانی به عنوان سازه هایی بنیادین و اثرگذار بر روند بهبود و تقویت روابط زناشویی رضایتبخش و استحکام پیوند زناشویی می تواند اثرات قابل ملاحظه ای را در عملکرد روابط زوجین نشان دهد، بر همین اساس این پژوهش می تواند اطلاعات مناسبی برای زوج ها جهت غنی سازی روابط زناشویی و کاهش تعارض های زناشویی و از طرفی کنترل هیجانات در جهت روابط زوجین در خصوص برآورده نشدن نوع نیازهایشان ارتقاء دهد. با استفاده از دستاوردهای تحقیقات پیرامون رضایت زناشویی، سلامت روانی، ویژگی های شخصیتی و رضایت جنسی درمانگران را سوق می دهند به جستجوی راهکارهایی برای ایجاد تغییرات در نوع شناخت و افکار و عملکردها و عواطف و هیجانات زوجین تا از این طریق باعث سلامت روان و بهبود و استحکام پیوند و روابط زوجین شوند. در میان عوامل فردی یکی از مهمترین پیش بینی کننده های طلاق عاطفی، ویژگی های شخصیتی و روانی زوجین می باشد در تبیین یافته ها می توان چنین عنوان داشت که شخصیت هر یک از زوجین، فراگیرترین مفهوم روان شناختی است که بر تمام کارکردهای آنان در تعامل با یکدیگر تاثیر می گذارد. بر این اساس ویژگی های شخصیتی از مولفه های اثرگذار بر نوع روابط زوجین، تعاملات آنان با یکدیگر، رضایت زناشویی می باشد (ایهنبیرگ و همکاران، ۲۰۱۲). از جمله عواملی که بر کیفیت روابط رضایت بخش زوجین و تفاهم و تعهد هر یک از زوجین در رابطه اثر گذار می باشد می توان اشاره داشت به (میزان روان نژندگرایی، برون گرایی یا درون گرایی هر یک از زوجین، گشودگی به تجربیات جدید، توافق پذیری یا همسانی و وظیفه شناسی) زیرا که هر کدام از این عوامل ویژگی های شخصیتی افراد را به طور مشهودی نشان می دهد (کاستا و مک کری، ۱۹۹۲). بر پایه این عوامل هر کدام از زوجین با شناخت و آگاهی از ساختارهای شخصیتی یکدیگر می توانند احساس خوشبختی و رضایت از همدیگر داشته باشند. هماهنگی شخصیتی در ازدواج از طریق درک مشترک از مباحث، تشریک مساعی، تداوم رفاقت و برآوردن انتظارات و نیازهای یکدیگر در زندگی مشترک صورت می پذیرد (جورنیک، ۲۰۱۳). در کنار ساختار شخصیت زوجین مدل تعاملی سیستمی رابطه زوجی بر پایه دو مکانیسم ارتباطی بر روابط زوجی تاثیر می گذارد. اولین مکانیسم به کاهش استرس در رابطه زوجی کمک می کند، بگونه ای که می تواند اثرات ناکارآمد رابطه را کاهش دهد. از طرفی حس «ما» بودن را بین زوجین تقویت می کند. در این حالت «ما» به عنوان یک هویت در رابطه یا همان تجربه

مایی در نظر گرفته می‌شود. هویت حاصل در روابط زوجی به صورت دل‌بستگی و صمیمیت، اعتماد و درک متقابل تجربه می‌شود. وجود رابطه زوجی موجب ایجاد وابستگی متقابل، تعهد، اعتماد، عشق در روابط زوجین می‌شود. وجود حس وابستگی متقابل در حالت (ما شدن) در رابطه، پیامدهای رضایت بخشی در شکل‌گیری روابط صمیمانه دارد (بوسر و همکاران، ۲۰۱۹). در تبیین این یافته‌ها می‌توان چنین عنوان کرد که روابط رضایت‌بخش بین زوجین از طریق علاقه متقابل، میزان مراقبت از همدیگر و تفاهم قابل‌سنجش است. عوامل گوناگونی از جمله: رضایت زناشویی، سبک دل‌بستگی زوجین و میزان تاب‌آوری و تحمل ناکامی و تنظیم هیجانات زوجین می‌تواند بر سلامت خانواده تأثیر بگذارد (هادی و همکاران، ۱۳۹۵). با توجه به بررسی مطالعات انجام شده می‌توان بیان داشت: طلاق عاطفی می‌تواند تحت تأثیر عدم تمایز‌یافتگی، ساختار شخصیت ناپه‌نجانار و عدم تجربه مایی قرار گیرد (صفریان، حاجی‌اربابی، عاشوری، ۲۰۱۵)، تلاش بمنظور اینکه زوجین تا چه حد بتوانند بمنظور غنی‌سازی روابط و کاهش تعارض‌های زناشویی بحران‌ها را از سر بگذرانند و نیازهایشان را تامین سازد، شناخت ساختار شخصیت و آگاهی از انواع جنبه‌های شخصیتی و از طرفی ایجاد تمایز‌یافتگی خود کمک می‌سازد تا افراد به بازسازی جنبه‌های شناختی خود در مقابل احساسات، هیجانات و رفتارها و کاهش نشانه‌های اضطراب در رابطه زوجی بپردازند. وجود تجربه مایی در روابط زوجی در تعاملات و روابط زناشویی به زوج‌ها کمک می‌کند تا بتوانند به راحتی و آرامش با استرس‌های زندگی مقابله کنند.

در تعمیم یافته‌های این پژوهش باید متذکر شد که داده‌های این پژوهش در یک مقطع زمانی خاص به دست و جامعه مورد پژوهش و نیز حجم نمونه یکی از محدودیت‌های این پژوهش است. همچنین، برای سنجش متغیرها روش خودسنجی به کار گرفته شد و از پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌های مورد نظر استفاده گردید. علاوه بر این، متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش ممکن است تحت تأثیر متغیرهای شناختی، راهبردهای مقابله‌ای، باورهای مذهبی، وضعیت اقتصادی-اجتماعی و نوع ساختار خانواده و از این دست باشد که از محدودیت‌های این پژوهش به حساب می‌آید. همچنین با توجه به نتایج پژوهش، از آنجا که ازدواج و انتخاب همسر یکی از تصمیمات مهم زندگی محسوب می‌شود و با توجه به نقش پیش‌بینی‌کنندگی طلاق عاطفی بر اساس تمایز‌یافتگی با میان‌جی‌گری ساختار شخصیت و تجربه مایی، از این رو پیشنهاد می‌شود بمنظور افزایش ایجاد بسترهای ارتباطی مناسب در زمینه کمک به بهبودی روابط زوجین امکانات مناسب جهت آموزش‌های لازم در خصوص ارائه مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های حل مسئله و تنظیم هیجانات و آموزش‌های مختلف زوج‌درمانی، در خصوص ارتقاء سطح الگوهای ارتباطی زوجی و کیفیت زندگی در جهت بهبود سلامت روان زوجین بمنظور مواجهه با نوع تعارضات زناشویی ارائه شود تا از این طریق بتوانند میزان صمیمیت زناشویی در روابط زوج‌ها را ارتقاء بخشید.

سپاسگزاری

این پژوهش از رساله نویسنده اول در دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی با عنوان «ارائه مدل طلاق عاطفی بر اساس تمایز‌یافتگی با نقش میانجی ساختار شخصیت، سبک‌های دل‌بستگی و تجربه مایی» اخذ شده

است. از همه بزرگوارانی که با همکاری، راهنمایی و مساعدت خود به انجام رسیدن این پژوهش را شدنی ساختند، سپاسگزاریم.

موازین اخلاقی

در این پژوهش موازین اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری حین پژوهش رعایت شد.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تضاد منافی ندارند.

منابع

- آسوده، محمدحسین. (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر ازدواج موفق از دیدگاه زوجین خوشبخت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- جوکار کمال آبادی، مهناز. (۱۳۹۱). مقایسه تأثیر زوج‌درمانی رفتاری-جدلی و زوج‌درمانی هیجان‌مدار بر کیفیت ابعاد ارتباط زناشویی، سلامت روان و نشانه‌های اختلال شخصیت مرزی در زوجین دارای اختلال شخصیت مرزی در شهر شیراز. دانشکده روانشناسی. دانشگاه اصفهان.
- چراغی، مونا، مظاهری، محمدعلی، موتابی، فرشته، پناغی، لیلی، صادقی، منصوره السادات، و سلمانی، خدیجه. (۱۳۹۶). مقیاس سیستمی-مثلی خانواده: ابزاری برای سنجش روابط همسران و خانواده‌های اصلی آنها. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۳(۵۱): ۳۸-۴۴
- حجت‌خواه، سید محسن. (۱۳۹۵). ارزیابی رابطه تمایز یافتگی خود و سبک‌های دلبستگی با طلاق عاطفی معلمین مرد شهرستان دلفان. کنگره ملی روانشناسی اجتماعی ایران.
- حیدرنژاد، کیوان، ایرانپور، رقیه، حکیم، محمد علی. (۱۳۹۷). امکان سنجی ارتباط بین رضایت زناشویی با پنج عامل بزرگ شخصیتی (مطالعه موردی در سطح دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب). فصلنامه زن و مطالعات خانواده. ۱۱(۴۲): ۵۵-۶۹
- خجسته مهر، رضا، محمدی، علی، و عباس‌پور، ذبیح‌الله. (۱۳۹۶). نظریه زمینه‌ای فرایند شکل‌گیری نگرش به ازدواج: یک مطالعه کیفی. تحقیقات کیفی در علوم سلامت. ۳(۴): ۳۳-۴۸
- خسروی، جهانبخش، مرادی، امید، احمدیان، حمزه، و یوسفی، ناصر. (۱۴۰۰). مدل علی گرایش به طلاق عاطفی بر اساس تمایز یافتگی خود با میانجی‌گری دلزدگی زناشویی. زن و جامعه، ۱۲(۲): ۴۴-۵۶
- دوراندیش، یاسمن. (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای خودپنداشت در رابطه کمال‌گرایی و طلاق عاطفی زوجین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب.
- رجبی، غلام‌رضا، موسویان‌نژاد، خلیل، و تقی‌پور، منوچهر. (۱۳۹۳). تعیین رابطه سبک‌های دلبستگی و هوش هیجانی با رضایت زناشویی و تعارض زناشویی معلمان زن متاهل مقطع ابتدایی مدارس دولتی شهر اهواز. فصلنامه مشاوره کاربردی، ۷(۲): ۴۹-۷۱

- رحمتی، بیتا، فرحبخش، کیومرث، معتمدی، عبدالله، و برجعلی، احمد. (۱۳۹۹). الگوی تحول مایی در زوج‌های موفق بر مبنای نظریه زمینه‌ای. پژوهش‌های مشاوره. ۱۹(۷۵): ۱۵-۲۶
- رحیمی پردنجانی، طیبه، مشفق، نجمه، و ضاربی، آرزو. (۱۳۹۵). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی پنج عامل بزرگ با رضایت جنسی زنان متأهل ساکن شهر مشهد. نشریه: دانشگاه علوم پزشکی سبزوار (اسرار). ۲۳(۶): ۸۳۵-۸۲۶
- رشیدی، علیرضا، شریفی، کسری، و نقشینه، طیبه. (۱۳۹۵). رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی خود با کیفیت زندگی زنان متقاضی طلاق در کرمانشاه. آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده. ۲(۱): ۶۶-۷۸.
- رضوانی، حورالعین، و صائمی، حسن. (۱۳۹۸). همبستگی بین تمایز یافتگی و نوروگرایی با طلاق عاطفی در دانشجویان متأهل شهر آزادشهر. مدیریت ارتقای سلامت. ۸(۲): ۳۶-۴۹
- رقیبی، مهوش، و قرچاقی، مریم. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و معنوی در بین زوجین خوش‌ساز و ناسازگار. فصلنامه جامعه‌شناسی زنان، ۱(۱۳): ۱۲۳-۱۴۰.
- زرگری نژاد، فاطمه، و احمدی، مهرناز. (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای طرحواره خود جنسی در رابطه بین کنش‌وری جنسی و رضایت جنسی در دانشجویان زن متأهل دانشگاه الزهرا (س) و دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران-جنوب در زمستان ۱۳۹۶. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۲۵(۴): ۴۱۲-۴۲۷.
- زمانی محمودآبادی، حسن. (۱۳۹۱). بر رابطه سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی به عنوان پیش‌بینی کننده‌های میل به طلاق در زوج‌های عادی و متقاضی طلاق شهر یزد. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۲(۴): ۶۶-۷۶
- زمانی، فاطمه، مینایی، اصغر، و محمدی آریا، علیرضا. (۱۳۹۶). مدل‌پردازی رابطه پنج عامل بزرگ شخصیت با طلاق عاطفی با استفاده از تحلیل مسیر در دانشجویان متأهل دانشگاه‌های شهر تهران، سومین کنفرانس روانشناسی و علوم رفتاری، تهران، شرکت توسعه دانش فرزندان ایرانیان
- ستیر، ویرجینیا. (۲۰۰۰). آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده. ترجمه بهروز بیرشک. (۱۳۹۸). تهران: انتشارات رشد.
- سلیمی، هادی، جاودان، موسی، زارعی، اقبال، و نجارپوریان، سمانه. (۱۳۹۸). سلامت رابطه زناشویی در پرتو عوامل تاثیرگذار بر ثبات و رضایت از رابطه؛ یک مطالعه مروری. مجله آموزش و سلامت جامعه. ۶(۳): ۱۸۳-۱۹۲
- شاکریان، عطا، فاطمی، عادل، و فرهادیان، مختار. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با رضایتمندی زناشویی. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، ۱۶(۱): ۹۲-۹۹
- شکوهیان، علیرضا. (۱۳۹۴). بررسی سبک‌های دلبستگی و انواع مهرورزی بر رضایت زناشویی و کیفیت زندگی در دانشجویان متأهل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی بالینی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- طالبی، مریم، و غباری بناب، باقر. (۱۳۹۲). تعیین رابطه تمایز یافتگی خود، هوش هیجانی و رضایت زناشویی در مراکز مشاوره شهر شاهرود. مجله مطالعات زن و خانواده، ۵(۱۸): ۳۱-۱۵.
- عسگری، سعید، رشیدی، علیرضا، نقشینه، طیبه، و شریفی، سارا. (۱۳۹۴). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی خود با کیفیت زندگی زنان متقاضی طلاق. رویش روان‌شناسی، ۴(۲): ۳۶-۴۸

غفاری، فاطمه، رفیعی، حسن، و ثنایی ذاکر، محمد باقر. (۱۳۸۸). بررسی اثربخشی خانواده درمانی سیستمی بونن بر افزایش تمایز یافتگی و بهبود کارکرد خانواده‌های دارای فرزند معتاد. فصلنامه اعتیاد پژوهی. ۱۲: ۱۹-۳۰

کوهی، سمانه، اعتمادی، عذرا، و فاتحی زاده، مریم. (۱۳۹۳). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روانی با سرخوردگی زناشویی در زوجین. پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، ۴(۱): ۲۵-۳۶
کیامهر، جواد. (۱۳۸۱). هنجاریابی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی و بررسی ساختار عاملی آن (تحلیل تاییدی) در بین دانشجویان دانشکده علوم انسانی دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.

گروسی فرشی، میر تقی، قاضی طباطبایی، محمود، و مهریار، امیر هوشنگ. (۱۳۸۰). کاربرد آزمون جدید شخصیتی نئو (neo) و بررسی تحلیلی ویژگی‌ها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران. فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء ۳۹: ۴۴-۵۵

مام صالحی، حسین، مرادی، امید، عارفی، مختار، و یاراحمدی، یحیی. (۱۳۹۹). نقش واسطه‌ای الگوهای ارتباطی در رابطه بین تمایز یافتگی خود و رضایت جنسی زوجین. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران. ۲۶: ۱۵۴-۱۶۹ (۲)

مامی، شهرام، و عسکری، میترا. (۱۳۹۳). نقش تمایز یافتگی خود و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی طلاق عاطفی، همایش منطقه‌ای آسیب‌شناسی پدیده طلاق، سقز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سقز
محمدزاده ابراهیمی علی، رحیمی پردنجانی، طیبه، جمهری، فرهاد، و برجعلی، احمد. (۱۳۹۰). رابطه بین پنج عامل بزرگ شخصیتی روان‌آزرده خوبی، برونگرایی، خوشایندی، پذیرا بودن به تجارب و وجدانی بودن با رضایت‌مندی زناشویی. پژوهش‌های مشاوره تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره. ۹(۳۳): ۵۱ تا ۶۶
محمدی، یحیی. (۱۳۹۵). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض با رضایت‌مندی زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده. دانشگاه علامه طباطبایی.

محمودی حمیدی، شیوا، و ابراهیمی مقدم، حسین (۱۳۹۷)، پیش‌بینی رضایت جنسی بر اساس تمایز یافتگی و ابرازگری هیجانی در زنان متأهل. نشریه روان پرستاری. ۶(۵): ۷۱-۷۷
مومنی، خدامراد، کاووسی، امید، سکینه، و امانی، رزیتا. (۱۳۹۵). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس تمایز یافتگی خود، همبستگی و انطباق‌پذیری خانواده، و صمیمیت زناشویی، دوفصلنامه آسیب‌شناسی و غنی‌سازی خانواده، ۱(۲): ۶۰-۴۶.

مومنی، زهرا، نادری، غلامرضا. (۱۳۹۳). بررسی و مقایسه الگوهای تعارض زوجین با سبک‌های مختلف دلبستگی در زوجین. نشریه دانشگاه شهید بهشتی. ۹(۳): ۲۵-۳۳

نجاتی، سیده فرشته، و گودرزی، محمدعلی (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین هوش هیجانی با رضایت زناشویی و مولفه‌های آن در زوجین، دومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، مشهد.
نجف‌لویی، فرهاد. (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین تمایز یافتگی زوجین با تعارضات زناشویی. چکیده مقالات نخستین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. ص ۲۳۸.
نوابی نژاد، شکوه. (۱۳۸۹). مشاوره ازدواج و خانواده درمانی. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

- هادی، سعیده، اسکندری، حسین، سهرابی، فرامرز، معتمدی، عبدالله، و فرخی، نور علی. (۱۳۹۵). تدوین مدل ساختاری پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس سبک دلبستگی و متغیرهای میانجی خودکنترلی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در افراد با روابط فرازناشویی عاطفی. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۲۸: ۳۳-۶۰
- Ahmad, S., & Reid, D.W. (2016). Enhancing the Quality of south Asian Marriage Through Systemic-Constructive Couple Therapy(SSCT): Investigating The Role of Couple Identity in Marital Satisfaction. *Journal of and marriage family therapy*, 42(4):615-629. Yourk University.
- Alea, Nicole. A Singer Jefferson. (2015). "We-ness" in Relationship-Defining Memories and Marital Satisfaction. book *Couple resilience: Emerging perspectives* (pp.163-178).
- Amato, P. R., & Hohmann-Marriott, B. (2017). A comparison of high-and low- distress marriages that end in divorce. *Journal of Marriage and Family*, 62, 621-638.
- Bookwala, J., Sobin, J., & Zdaniuk, B. (2015). Gender and aggression in marital relationships: A life-span perspective. *Sex Roles*, 52, 506-797.
- Bowen, M. (1978). *Family treatment in clinical practice*. New York: Jason Aronson.
- Bracett, M. A., Warner, R. M., & Bosco, J. S. (2015). Emotional intelligence and relationship quality among couples. *Personal Relationships*, 12, 197-212.
- Buser, T. J., Pertuit, T. L., Muller, D. L. (2019). Nonsuicidal self-injury, stress, and self-differentiation. *Adultspan Journal*, 18(1), 4-16.
- Buss, D. M., & Shackelford, T. D. (2005). How To Save A Marriage: Different Gender Strategies To Save Relationship. *Journal of Personality and Social Psychology*, 72(2). 322-324.
- Buswell, L. Zarbriskie, R.B. Lundberg, N. & Hawkins, A.J. (2012). The Relationship between father involvement in family leisure and family functioning: The importance of daily leisure time. *Leisure Sciences*, 34, 172-190. doi.org/10.1080/01490400.2012.652510
- Chweu, Y.B., Schultz, K. T. (2011). Emotional Intelligence Model and Marital Satisfaction Experiment with Mediation of Insecure Attachment Styles (Avoidance and Anxiety) and Characteristics of Task Forces in Married Students at Columbia University. *Journal of the American Board of Family Medicine*, 20 (1) : 36-44
- Costa, P. T., McCrae, R. R. (1992). Personality at midlife: Stability, intrinsic maturation, and response to life events. *Assessment*, 7(4), 365-378.
- Crayton, W. L. (2010). Attachment Style in College Students. *Family Origins and Mental Health Correlates Annual Review of Undergraduate Research, School of Humanities and Social Sciences, School of Languages, Cultures, and World Affairs, College of Charleston*. 9, 204-26.
- Ehrenberg MF, Robertson M, Pringle J. (2012). Attachment style and marital commitment in the context of remarriage. *Journal of Divorce & Remarriage*. 2012;53(3):204-19.
- Eysenck, H. J., & Eysenck, S. B. G. (1990). *Manual for the Eysenck Personality Inventory*. San Diego: Educational and Industrial Testing Service.
- Faleh, A., Bardan, Z., Danaei Koosha, M., Amani, O., Moghaddam Far, N. (2019) The relationship between self-differentiation and early maladaptive schemas with marital satisfaction of women seeking divorce. *Nursing research*; 14 (6): 26-34.
- Gildersleeve, S., Singer, J. A., Skerrett, K., Wein, S. (2017). Coding "We-ness" in couple's relationship stories: method for assessing mutuality in couple therapy. *Psychotherapy Research*, 27, (3), 313-325.
- Godwin, K. M., Swank, P. R., Vaeth, P., & Ostwald, S. K. (2013). The longitudinal and dyadic effects of mutuality on perceived stress for stroke survivors and their spousal caregivers. *Aging and Mental Health*, 17 (4), 423-431.

- Good friend, W. Agnew, C. R. (2008). Sunken costs and desired plans. *Personality and social psychology Bulletin*, 37, 1639-1652.
- Gottman J. M., Gottman, J. S., & DeClaire, J. (2011). *Ten lessons to transform your marriage*. New York: Crown Publishers.
- Gross, J. J., & Thompson, R. A. (2017). Emotion regulation: Conceptual foundations, in *Handbook of Emotion Regulation*, Ed J. J. Gross (New York, NY: Guilford Press), 3–24.
- Hesse, C., Pauley, P., & Frye-Cox, N. (2015). Alexithymia and Marital Quality: The Mediating Role of Relationship Maintenance Behaviors. *Western Journal of Communication*, 45–72.
- Jarnecke, AM, South, SC. (2013). Attachment orientations as mediators in the intergenerational transmission of marital satisfaction. *Journal of Family Psychology*. 2013;27(4):550.
- Karen, J., & Tamaren, M. A. (2010). *Factor of emotional intelligence associated with marital satisfaction*. New York: Cambridge University Press.
- Kenneth, E., & Prather, S. R. (2017). Paradim for affective divorce case management. *Advance level family law semiar in Michigan*. 24th Annual Advanced Level Family Law Seminar.
- Kerr, M. B. Bowen, M. (1988). *Family evaluation: An approach based on Bowen theory*. NY: Norton
- Kirk, S., Gallagher, G., and Coleman, M. R. (2015). *Educating Exceptional Children* (۱۲th Ed). Cengage Learning, Printed in the United States of America.
- Konstam, V. (2019). *The Romantic Lives of Emerging Adults: Getting from I to We* (Emerging Adulthood Series). Oxford press.
- Larson, J. H., & Holman, T. B. (2017). the Relationship between Sexual Knowledge and Attitude and Communication Beliefs with Emotional Divorce. *journal of Family Relations*, 43 (2), 228 - 237.
- Lavalekar, A., Kulkarni, P., & Jagtap, P. (2010). Emotional intelligence and marital satisfaction. *Journal of Social Psychology*, 5, 2, 185-194.
- Lee, T.Y., Sun, G. H., & Chao, S. C. (2018). The effect of an infertility diagnosis on the distress, marital and sexual satisfaction. *Hun report*, 16 (8), 1762-7
- León, Felipe. (2018). For-Me-Ness, For-Us-Ness, and the We-Relationship. *Topoi*. Published 27 March
- Loudoy, É. I., Jani, É. K. (2013). Haviger JÃÕ. Infidelity as a Threatening Factor to the Existence.
- Lyusin, D. B. (2016). Emotional intelligence as a mixed construct. *Journal of Russian and East European Psychology*, 44 (6), 54-68.
- Manzia, C., Parisea, M., Lafratea, R., Sdikidesb, C., Vignolesc, V. (2015). Insofar as You Can Be Part of Me: The Influence of Intrusive Parenting on Young Adult Children's Couple Identity. *Self and Identity*, Vol. 14, No. 5, 570–582.
- Marchal, J. P., Maurice-S, H., Trotsenburg, A. P., & Grootenhuis, M.A. (2017). Mothers and fathers of young dutch adolescents with down syndrome: Health related quality of life and family functioning. *R Abstracts submitted to the Amsterdam Kindersymposium 2017*, p97.
- Moradzadeh Khorasani, L. And the servant, AS. (2015) *The Law of Emotional Maturity with Emotional Divorce (Marital Satisfaction) in Couples*. International Conference on Engineering, Art and Law. April, Barcelona, Spain. 14-25

- Motataianu, I. R. (2015). The relation between anger and emotional synchronization in children from divorced families. *Journal of Social and Behavioral Science*, 203, 158-162.
- Reid, D. W., Dalton, E. J., Laderoute, K., Doell, F. K., & Nguyen, T. (2006). Therapeutically induced changes in couple identity: The role of We-ness and interpersonal processing in relationship satisfaction. *Genetic, Social, and General Psychology Monographs*, 132, 241-284.
- Rezvani H, Saemi H. (2019). Correlation between Self-differentiation and Neuroticism with Emotional Divorce in married Students of Azad Shahr Azad University. *JHPM*. 2019; 8 (2) :23-30.
- Rohrbaugh, M. J., Shoham, V., Skoyen, J. A., Jensen, M., & Mehl, M. R. (2012). We-talk, communal coping, and cessation success in a couple-focused intervention for health-compromised smokers. *Family Process*, 51(1), 107-121.
- Saffarian, M. R., HajiArbabi, F., & Ashoori, J. (2015). The effectiveness of spiritual therapy in order to increase marital satisfaction and decrease generalized anxiety disorder of women. *Journal of Woman and Family Studies*, 7(1), 95-113.
- Scott M. Stanley. D. (2021). What Is We-Ness Versus Enmeshment? Some couples have a strong sense of "us." This post appears on the Institute for Family Studies site on June 14, 2021.
- Sheikh, F., Khodabakhshi Koolae, A., & Rahmati Zadeh, M. (2013). The Comparison of Self-differentiation and Self-concept in Divorced and Non-divorced Women Who Experience Domestic Violence. *International Journal of High Risk Behaviors and Addiction*, 2(2), 66-71.
- Skerrett, K & Singer, J. A. (2014). *Positive Couple Therapy: Using We-Stories to Enhance Resilience*. New York: Routledge.
- Skerrett, K. & Fergus, K. D. (2015). *Couple resilience: Emerging perspectives*. Springer.
- Sloan, David, Buckham, Robert Lee, Youngsu. (2017). Exploring differentiation of self and organizational commitment. *Journal of Managerial Psychology*, vol. 32 no. 2.
- Strouda, C. B. Durbin, C. E. Saigal, S. D. & Knobloch-Fedders, L. M. (2010). Normal and abnormal personality traits are associated with marital satisfaction for both men and women: An actor partner interdependence model analysis. *Journal of Research in Personality*, 44(4), 466-477.
- Timmons, A. C., Arbel, R., Margolin, G. (2017). Daily patterns of stress and conflict in couples: Associations with marital aggression and family-of-origin aggression. *Journal of family psychology*, 31 (1), 93.
- Topcu-uzer, C., Randall, A. K., Vedes, A. K., Reid, D., Bodenmann, G., (2020). We-ness Questionnaire: Development and Validation. *Journal of couple and relational therapy*. 2(3):25-36.
- Trouy, Lisa A., J. (2012). Attachment styles, Relationship Beliefs, and Partner-Specific Assertiveness and happeneses Among College Students. *Journal of Springer Publishing Company*, 2, 4, 387-403.
- Vedes, Ana. Bodenmann, Guy. Nussbeck, Fridtjof. (2013). The role of we-ness in mediating the association between dyadic coping and relationship satisfaction. *Journal of Social and Personal Relationships*. 31 May 2013.
- Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2003). *Schema therapy: A practitioner's guide*. New York: Guilford Press.
- Yu, Y., Wu, D., Wang, J. M., Wang, Y. C. (2020). Dark personality, marital quality, and marital instability of Chinese couples: An actor-partner interdependence mediation model. *Personality and Individual Differences*, 154, 109689.

پرسشنامه تمایز یافتگی اسکرون و فریدلندر

همیشه	زیاد	تا اندازه ای	کمی	تند:	کم:	۹
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۱) نظر مردم درباره من این است که بیش از حد عاطفی هستم .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۲) ابراز احساسات به افرادی که برایم اهمیت دارند دشوار است .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۳) غالبا از بروز احساساتم به خانواده ام خودداری می کنم .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۴) من حتی تحت شرایط استرس زا ، آرام می مانم .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۵) معمولا برای شروع یک کار یا وظیفه بزرگ به تشویق زیادی از جانب دیگران نیاز دارم .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۶) اگر کسی که به من نزدیک است ، مرا از خودش ناامید کند ، مدتی از او کناره می گیرم .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۷) هر اتفاقی که در زندگیم بیفتد ، معنای این که "چه کسی هستم" را از دست نمی دهم .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۸) می خواهم مطابق انتظاراتی که والدینم از من دارند، رفتار کنم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۹) کاش این قدر عاطفی(احساساتی) نبودم .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۱۰) معمولا برای خوشحال کردن دیگران رفتارم را به آسانی تغییر می دهم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۱۱) دوستانم تحمل این که در مورد بعضی چیزها احساسات واقعی خود را برایشان بیان کنم ، ندارند .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۱۲) وقتی یکی از دوستانم از من انتقاد می کند، چند روز رنجیده خاطر می شوم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۱۳) گاهی احساساتم وضع مرا بهم می زند و تفکراتم دچار مشکل می شود .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۱۴) هنگام بحث با هر شخصی می توانم افکارم را درباره موضوع مورد بحث از احساساتم نسبت به آن شخص جدا کنم .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۱۵) غالبا وقتی اشخاص به من خیلی نزدیک می شوند، احساس ناراحتی می کنم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۱۶) احساس می کنم حقیقتا به تایید تمام اشخاص زندگیم نیازمندم .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۱۷) گاهی می بینم که احساساتم دائم در نوسان است .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۱۸) به خاطر چیزهایی که نمی توانم آن ها را تغییر دهم ، آشفته می شوم .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۱۹) نگرانم که مبدا استقلال خود را در روابط صمیمانه از دست بدهم .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۲۰) بیش از حد نسبت به انتقاد حساسم .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۲۱) سعی می کنم مطابق انتظارات والدینم زندگی کنم .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۲۲) من نسبتا خودم را قبول دارم .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۲۳) غالبا احساس می کنم دوستانم بیش از اندازه از من توقع دارند .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۲۴) اغلب به خاطر خوشحال کردن دیگران با آن ها موافقت می کنم .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۲۵) اگر با دوستم بحثی داشته باشم ، تمام طول روز به آن فکر می کنم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۲۶) حتی اگر فشار دیگران باشم ، می توانم به آن ها "نه" بگویم .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۲۷) وقتی روابطم با یک نفر خیلی شدید می شود، احساس می کنم باید از آن بگریزم .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۲۸) هنوز جز و بحث با والدین و خواهر و برادر(هایم) به من احساس بدی می دهد.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۲۹) اگر کسی از دست من آزرده شود، نمی توانم به آسانی از کنار آن بگذرم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۳۰) وقتی کاری انجام می دهم که فکر می کنم درست است، کمتر نگران تایید دیگران هستم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۳۱) برای کسب حمایت عاطفی هرگز فکر رو آوردن به اعضای خانواده ام را نمی کنم.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۳۲) غالبا وقتی دیگران برای کمک در تصمیم گیری در کنارم نباشند، احساس ناامنی می کنم
۶	۵	۴	۳	۲	۱	(۳۳) خیلی نگران آزرده شدن توسط دیگران هستم .

۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۴) اعتماد به نفس من خیلی به نظر دیگران بستگی دارد .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۵) وقتی با دوستانم هستم، احساس خفگی می‌کنم .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۶) هنگام تصمیم‌گیری، کمتر نگران نظر دیگران هستم .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۷) غالباً مطمئن نیستم چه اثری روی دیگران داشته‌ام .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۸) وقتی کاری خراب می‌شود، معمولاً صحبت درباره آن وضع را بدتر می‌کند .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۳۹) همه چیز روی من بیش از دیگران اثر می‌گذارد .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۰) معمولاً صرف نظر از حرف دیگران کاری را می‌کنم که فکر می‌کنم درست است.
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۱) اگر دوستانم فضایی را که نیاز دارم به من بدهند، روابط ما بهتر خواهد شد .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۲) غالباً در شرایط استرس ، تعادل خود را حفظ می‌کنم .
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۴۳) گاهی بعد از بحث با دوستانم می‌خواهم استفراغ کنم .

پرسشنامه طلاق عاطفی

سوالات	بله	خیر
۱. در این ازدواج بسیار بیشتر از آنچه پیش بینی می‌کردم احساس تنهایی می‌کنم	۱	۰
۲. ما آنقدرها که آرزو داشتیم بهم نزدیک نیستیم	۱	۰
۳. در این ازدواج احساس بی‌هودگی می‌کنم	۱	۰
۴. انجام کارهای مشترک برایم خسته‌کننده است	۱	۰
۵. حتی وقتی با هم هستیم احساس بی‌قراری و اندوه می‌کنم	۱	۰
۶. بیشتر وقتها نمیدانم خود را چگونه سرگرم کنم	۱	۰
۷. گاهی در این ازدواج احساس بی‌حوصلگی و بی‌قراری میکنم	۱	۰
۸. در حسرت کسی هستم که در کنار او احساس نزدیکی کنم	۱	۰
۹. حس تنهایی بسیار آزارم میدهد	۱	۰
۱۰. انگار ازدواجم چیزی کم دارد	۱	۰
۱۱. کاش اطرافیانم بیشتر به من زنگ میزدند	۱	۰
۱۲. اغلب دلم میخواهد کسی را داشته‌ام که در کنارش باشم	۱	۰
۱۳. احساس نمیکنم بخشی از زندگی کسی هستم	۱	۰
۱۴. احساس نمیکنم به کسی تعلق دارم	۱	۰
۱۵. اغلب به لحاظ عاطفی احساس انزوا میکنم	۱	۰
۱۶. در این ازدواج احساس طرد شدگی میکنم	۱	۰
۱۷. کسی را ندارم که به او پناه ببرم*	۱	۰
۱۸. اغلب در رابطه با همسر احساس میکنم فراموش شده‌ام	۱	۰
۱۹. هیچ کس مرا نمیشناسد	۱	۰
۲۰. هیچ کس مرا درک نمیکند	۱	۰
۲۱. اغلب هیچ کس را ندارم که با او حرف بزنم	۱	۰
۲۲. اغلب نیاز شدیدی به داشتن یک هم صحبت احساس میکنم	۱	۰
۲۳. احساس میکنم در این ازدواج کاملاً کنار گذاشته شده‌ام	۱	۰
۲۴. احساس جدا بودن میکنم(با همسر)	۱	۰

پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی نئو

ردیف	سوالات	کاملاً موافق	نظری ندارم	مخالف	کاملاً مخالف
۱	من آدم نگرانی هستم	۴	۳	۲	۱
۲	من دوست دارم همیشه آدم‌های زیادی دور و برم باشند	۴	۳	۲	۱

۳	۴	۳	۲	۱	•	من دوست ندارم و قتم را با خیال بافی هدر بدهم
۴	۴	۳	۲	۱	•	من سعی می‌کنم با دیگران خوش رفتار و مودب باشم
۵	۴	۳	۲	۱	•	من چیزهای خودم را مرتب و پاکیزه نگه می‌دارم
۶	۴	۳	۲	۱	•	من اغلب خودم را کمتر از دیگران حس می‌کنم
۷	۴	۳	۲	۱	•	من لبخند زدن به دیگران و بیرون رفتن با آن‌ها را کار آسانی می‌دانم
۸	۴	۳	۲	۱	•	من وقتی روش درست انجام یک کار را پیدا کنم به همان می‌چسبم و ادامه می‌دهم
۹	۴	۳	۲	۱	•	من اغلب با اعضای خانواده بگو بگو نگو دارم
۱۰	۴	۳	۲	۱	•	من به خوبی می‌توانم طوری برنامه‌ریزی کنم که کارهایم به موقع انجام شوند
۱۱	۴	۳	۲	۱	•	وقتی من زیر بار یک استرس بزرگ هستم بعضی مواقع احساس می‌کنم دارم از هم می‌پاشم
۱۲	۴	۳	۲	۱	•	من خودم را لزوماً آدم امیدواری نمی‌دانم
۱۳	۴	۳	۲	۱	•	نگاه کردن به نظم حاکم بر طبیعت و زیبایی هنرها برای من بسیار جالب است
۱۴	۴	۳	۲	۱	•	بعضی از مردم من را آدم خودخواهی می‌دانند
۱۵	۴	۳	۲	۱	•	من در کارهایم خیلی با برنامه نیستم
۱۶	۴	۳	۲	۱	•	من به ندرت احساس تنهایی و دل افسردگی می‌کنم
۱۷	۴	۳	۲	۱	•	من واقعاً از صحبت کردن با دیگران لذت می‌برم
۱۸	۴	۳	۲	۱	•	من معتقدم که اگر به دانشجویان اجازه بدهند که به سخنرانی‌های بحث بر انگیز و متناقض گوش دهند، آن‌ها سردرگم و گمراه می‌شوند.
۱۹	۴	۳	۲	۱	•	من بیشتر ترجیح می‌دهم که با دیگران همکاری کنم تا با آن‌ها رقابت کنم
۲۰	۴	۳	۲	۱	•	من سعی می‌کنم وظایفی که بر عهده‌ام هست را با وجدان کار انجام دهم
۲۱	۴	۳	۲	۱	•	حس می‌کنم اغلب اوقات دچار تنش و وحشت زدگی هستم
۲۲	۴	۳	۲	۱	•	من ترجیح می‌دهم در جایی باشم که فعالیت وجود داشته باشد
۲۳	۴	۳	۲	۱	•	خواندن یک شعر تأثیر ناچیزی بر من دارد یا این که اصلاً تأثیری ندارد
۲۴	۴	۳	۲	۱	•	معمولاً من در مورد مقاصد دیگران بدگمان و عیبجو هستم
۲۵	۴	۳	۲	۱	•	من دارای اهداف مشخصی هستم و برای این اهداف برنامه دارم
۲۶	۴	۳	۲	۱	•	من بعضی وقت‌ها کاملاً احساس بی‌ارزشی می‌کنم
۲۷	۴	۳	۲	۱	•	من معمولاً ترجیح می‌دهم کارها را به تنهایی انجام دهم
۲۸	۴	۳	۲	۱	•	من معمولاً غذاهای جدید و نا آشنا را امتحان می‌کنم
۲۹	۴	۳	۲	۱	•	من عقیده دارم که اکثر مردم اگر به آن‌ها اجازه داده شود می‌خواهند از آدم امتیاز به دست آورند
۳۰	۴	۳	۲	۱	•	من قبل از شروع هر کاری وقت زیادی را تلف می‌کنم
۳۱	۴	۳	۲	۱	•	من به ندرت خودم را ترسو یا مضطرب می‌دانم
۳۲	۴	۳	۲	۱	•	من اغلب احساس می‌کنم که پر از نیرو و انرژی هستم
۳۳	۴	۳	۲	۱	•	من به ندرت متوجه می‌شوم که احساساتم در محیط‌های مختلف فرق می‌کند

۰	۱	۲	۳	۴	بیشتر مردمانی را که می‌شناسم مرا دوست دارند	۳۴
۰	۱	۲	۳	۴	من برای دستیابی به اهداف خودم سخت تلاش می‌کنم	۳۵
۰	۱	۲	۳	۴	اغلب از نحوه برخورد دیگران با من عصبانی می‌شوم	۳۶
۰	۱	۲	۳	۴	من آدم پشانش و دارای روحیه بالایی هستم	۳۷
۰	۱	۲	۳	۴	من معتقدم که برای اخذ تصمیم درباره موضوعات اخلاقی باید به مقامات دینی خودمان اقتداء کنیم	۳۸
۰	۱	۲	۳	۴	بعضی از افراد فکر می‌کنند من آدم سرد و حساب‌گری هستم	۳۹
۰	۱	۲	۳	۴	وقتی به انجام کاری را متعهد می‌شوم مردم می‌توانند همیشه مطمئن باشند که کار را پیگیری می‌کنم	۴۰
۰	۱	۲	۳	۴	اغلب وقتی کارها طبق نقشه پیش نمی‌رود یا اشتباه از آب در می‌آید احساس دلسردی می‌کنم و می‌خواهم آن را نیمه تمام رها کنم	۴۱
۰	۱	۲	۳	۴	من آدم خوش‌بینی نیستم	۴۲
۰	۱	۲	۳	۴	گاهی وقتی که شعری می‌خوانم یا به یک اثر هنری نگاه می‌کنم یک حالت یاس یا موجی از برافروختگی را در خودم تجربه می‌کنم	۴۳
۰	۱	۲	۳	۴	من در رفتار و نظر خود آدم سخت و بی‌انعطافی هستم	۴۴
۰	۱	۲	۳	۴	گاهی آن قدری که خودم می‌خواهم، قابل اعتماد نیستم	۴۵
۰	۱	۲	۳	۴	من به ندرت افسرده یا غمگین می‌شوم	۴۶
۰	۱	۲	۳	۴	همه زندگی و کارهای من با سرعت طی می‌شوند	۴۷
۰	۱	۲	۳	۴	من علاقه‌ای به تامل و تفکر در مورد ماهیت جهان یا وضعیت انسان ندارم	۴۸
۰	۱	۲	۳	۴	اغلب سعی می‌کنم با فکر و با ملاحظه باشم	۴۹
۰	۱	۲	۳	۴	من آدم سازنده و مولدی هستم که همیشه کارها را به ثمر می‌رساند	۵۰
۰	۱	۲	۳	۴	من اغلب احساس درماندگی می‌کنم و میل دارم شخص دیگری را مسائلم را حل کند	۵۱
۰	۱	۲	۳	۴	من شخص بسیار فعالی هستم	۵۲
۰	۱	۲	۳	۴	من خیلی کنجکاووم	۵۳
۰	۱	۲	۳	۴	من اگر اشخاصی را دوست نداشته باشم از آن‌ها پنهان نمی‌کنم	۵۴
۰	۱	۲	۳	۴	به نظر نمی‌رسد هرگز بتوانم کارهای خود را نظم و ترتیب بدهم	۵۵
۰	۱	۲	۳	۴	بعضی وقت‌ها من طوری احساس خجالت می‌کنم که دلم می‌خواهد خودم را از دیگران پنهان کنم	۵۶
۰	۱	۲	۳	۴	من ترجیح می‌دهم راه خودم را بروم تا اینکه رهبر دیگران باشم	۵۷
۰	۱	۲	۳	۴	من اغلب از بازی کردن با نظریه‌ها و افکار انتزاعی لذت می‌برم	۵۸
۰	۱	۲	۳	۴	اگر نیاز باشد من حاضر از افراد دیگر برای رسیدن به مقاصد خودم استفاده کنم	۵۹
۰	۱	۲	۳	۴	من سعی می‌کنم کارهایم در حد عالی باشد	۶۰

پرسشنامه تجربه مایی

ردیف	عبارت	کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم
۱	فکر می‌کنم من و همسر صمیمی‌ترین دوستان یک دیگر هستیم.	۱	۲	۳	۴	۵
۲	همسر مشکل من را مشکل خودش می‌داند.	۱	۲	۳	۴	۵
۳	هنگام بروز مشکلات، همسر من بزرگترین حامی من است.	۱	۲	۳	۴	۵
۴	همسر با من صادق است.	۱	۲	۳	۴	۵
۵	بین من و همسر پیوندی قوی و پایدار وجود دارد.	۱	۲	۳	۴	۵
۶	من و همسر بسیار به هم اعتماد داریم.	۱	۲	۳	۴	۵
۷	اگر مشکلی داشته باشم همسر به راحتی خودش را کنار می‌کشد.	۱	۲	۳	۴	۵
۸	اگر با خانواده همسر دچار مشکل شوم، روی کمک همسر می‌توانم حساب کنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۹	همسر رابطه مطلوبی با خانواده من دارد.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۰	احساس می‌کنم برای همسر یک غریبه هستم.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۱	فکر می‌کنم همسر در کنارم است نه در جبهه مقابل من.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۲	همسر نزد خانواده اش از من تعریف و تمجید می‌کند.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۳	احساس می‌کنم من مهمترین فرد در زندگی همسر هستم.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۴	همسر از من در برابر بدرفتاری های خانواده اش حمایت می‌کند.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۵	همسر خیلی از مسائل را از من پنهان می‌کند.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۶	همسر همیشه من را در ایجاد مشکلات مقصر می‌داند.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۷	همسر نزد خانواده اش از من بدگویی می‌کند.	۱	۲	۳	۴	۵

The Model of Emotional Divorce based on Differentiation with the Mediating Role of Personality Structure and Experience of Usness

Farangis. Rashidi ¹, Nader. Munirpour ^{2*} & Farideh. Dukanei Fard ³

Abstract

Aim: The purpose of this study was to present a model of emotional divorce based on differentiation with the mediating role of personality structure and experience of usness in parents of students referring to counseling and guidance centers of the association of parents and educators of Tehran was done. **Method:** According to the research indicators and goals research, the research method was descriptive-correlational. The statistical population of this study included all parents of students referring to counseling and guidance centers of the association of parents and educators of Tehran in 2020. Sampling method was multistage random sampling and statistical sample size based on sample power software (350 people) was considered and analyzed. Data were collected from the Guttman (2008) Emotional Divorce Questionnaire, Skorn and Friedlander (1989) Differentiation, McCray and Costa (NEO-AC) Personality Structure (1992), Vedes, Nussbeck, Bodenmann (2013) experience of usness were used and run on the desired sample. Data were analyzed using SPSS software and smartpls structural equations. **Results:** The results showed that, present a model of emotional divorce based on differentiation with the mediating role of personality structure and experience of usness in parents of students referring to counseling and guidance centers of the association of parents and educators of Tehran accordance with the theoretical model and has a good fit, also, was a significant relationship between the components of differentiation, personality structure and experience of usness with emotional divorce, on the other hand, there was a strong effect between the components of differentiation with emotional divorce and mediation of personality structure and experience of usness in the parents of students referring to counseling centers in Tehran. **Conclusion:** Accordingly, the results show that the differentiation, personality structure and experience of usness of each couple based on mutual understanding of each other's needs can be predictive marital commitment in the context of effective marital relationships and creating intimacy, commitment in relationships and reducing the incidence of emotional divorce in couples.

Keywords: emotional divorce, differentiation, personality structure, experience of usness

-
1. PhD student of counseling department, Qom branch, Islamic Azad University of Qom, Iran
 2. ***Corresponding Author:** Associate Professor, Department of Psychology, Qom Branch, Qom Islamic Azad University, Iran
Email: monirpoor1357@yahoo.com
 3. Associate Professor of Counseling Department, Roudhen Branch, Islamic Azad University, Roudhen, Iran